

سازمان همکاری اقتصادی ECO / کمیته مذاکرات تجاری NAFTA /
اتحادیه تجارت آزاداروپا EFTA / سازمان توسعه صنعتی ملل متحد UNIDO

تهیه و گردآوری : فیروزه پرویزراد - علیرضا مرادی

درس : سازمان های پولی و مالی

استاد : جناب آقای دکترجوکار



۲

سازمان همکاری اقتصادی اكو
ECO Economic Cooperation Organization



- سازمان همکاری اقتصادی اگو :

- پیشینه سازمان اگو :

- سازمان همکاری‌های عمران منطقه‌ای که با عنوان آر - سی - دی شناخته می‌شود در سال ۱۳۴۳ با حضور سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه به عنوان سازمانی کوچک در خدمت منابع این سه کشور تأسیس شد.
- این روند تا سال ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت ولی پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۹ ابتدا روند کار آن را کند و سپس متوقف ساخت.
- دولت انقلابی ایران خود به خروج از آر - سی - دی اقدام ننمود ولی ساختار ذاتی آن که با حمایت آمریکا معنی می‌یافت و هم چنین عدم موضع‌گیری مثبت توسط حکومت جدید ایران سبب شد عضویت آن در سازمان عمران منطقه‌ای به حالت تعلیق در آید. پس از تعلیق ایران، در سال ۱۳۵۹ نیز مجموعه RCD (آر - سی - دی) کلاً منحل شد.
- RCD (آر - سی - دی) که در پی کنفرانس نخست وزیران سه کشور در ژوئیه ۱۹۶۴ و در استانبول تأسیس شده بود چنانچه گذشت مجموعه‌ای هدایت شده بود که آمریکا از آن حمایت می‌کرد و سعی در کنترل و خط‌دهی این مجموعه داشت. فعالیت آن بر مبنای عهدنامه‌ی معروف از میر به انجام می‌رسید. عهدنامه از میر در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی به تصویب رسیده بود.
- پس از گذشت چندین سال ۴ مختلف دست به دست هم داد تا این سه کشور از نو حس همکاری مشترکی به دست آورده و بدین منظور دست به تأسیس یک سازمان جدید بزنند.

- اولین علت که از نظر حکومت ایران بسیار مهم بود قطع چتر حمایتی آمریکاست. دومین علت هدف عالی سیاست خارجی جمهوری اسلامی بود.
- حکومت جدید ایران سیاست خارجی خود را بر مبنای توسعه همکاری‌های اقتصادی قرار داده بود و بدین منظور کشش به سوی این دو کشور همسایه در سیاست خارجی ایران بروز یافت. سومین علت حس همکاری بود که به صورت سه جانبه پس از انحلال آرسی دی وجود داشت و از بین نرفته بود.
- هر چند این سه کشور دیگر در یک سازمان کنار هم نبودند ولی این حس همکاری هم چنان در اذهان آنها باقی مانده بود.
- علت چهارم وقوع جنگ تحمیلی علیه ایران و محاصره اقتصادی جمهوری اسلامی توسط دولت‌های عربی بود. این مسأله باعث شد ایران خواسته یا ناخواسته به سمت کشورهای همسایه غیرعرب خود کشیده شود و به یاد سازمان قدیمی، قصد همکاری با این کشورها را داشته باشد.
- البته این تنها ایران نبود که به خاطر منزوی شدن توسط اعراب به سمت ترکیه و پاکستان کشیده می‌شد. پاکستان نیز به خاطر مناقشه با هند، ترکیه و نیز به علت پذیرفته نشدن در جامعه اروپایی کششی ناگزیر به این مجموعه پیدا کرده بودند.

- همه این عوامل دست به دست هم دادند تا اینکه این بار سازمانی جدید با عنوانی نو متولد شود. سه کشور مزبور نام این مولود را که چندان هم جدید نبود **اگو** گذاشتند.
- سال ۱۹۸۵ سالی بود که این سه کشور اگو را تأسیس نمودند. ۹ بهمن سال ۱۳۶۳ تاریخ دقیق این رویداد است. ولی تحول اصلی در سال ۱۹۹۲ و پس از فروپاشی شوروی به وقوع پیوست. در این سال هفت کشور دیگر به مجموعه افزوده شدند که شش کشور از آنها اعضا پاره شده از شوروی بودند. قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان و آذربایجان به علاوه افغانستان اعضای جدید را تشکیل می‌دادند که تصمیم گرفته بودند به جمع سه کشور سابق افزوده شوند تا اگو از یک سازمان کوچک به یک سازمان نسبتاً گسترده منطقه‌ای تبدیل شود. این کشورها از جهات مختلفی به هم شبیه بودند. زمینه‌های جغرافیایی، فرهنگی و تاریخی قرابت بین اعضای اگو زمینه‌هایی نبود که بتوان به این راحتی‌ها از کنار آن گذشت.
- علاوه بر این زمینه‌های قابل توجه اهمیت جغرافیایی و سیاسی و اقتصادی منطقه نیز عرصه همکاری این کشورها را تقویت می‌نمود. ولی وضعیت حاکم بر کشورهای تازه استقلال یافته در سال ۱۹۹۲ را به هیچ عنوان نمی‌توان با وضع حاضر این کشورها پس از گذشت یک دهه مقایسه نمود. اعضای اگو زمینه‌های مختلف همکاری را برای خود تبیین نمودند و جنبه‌های مختلفی هم چون اقتصادی، بازرگانی، علمی، صنعتی و فرهنگی مشمول این جنبه‌ها هستند.
- در خلال این سال‌ها که از تأسیس اگو و عضوگیری آن در میانه راه می‌گذرد، اعضا اهداف و کارکردهای مختلفی برای آن طراحی نموده‌اند و چه بسا در برخی برهه‌ها به نحوی مطلوب نیز برای رسید به این آرمان‌ها تلاش کرده‌اند و حتی موفقیت‌های نسبی نیز به دست آورده‌اند ولی مشکلات زیادی نیز بر سر راه اگو وجود داشته است.

- در یک بیان کلی می‌توان گفت که اکو به آن درجه‌ای که از او انتظار می‌رفت دست نیافته و دست‌آوردهای آن بسیار کمتر از دست نیافته‌های آن بوده است.

بعد از عضوگیری سال ۱۹۹۲ یکی از توقعات ایران از این سازمان ایجاد سازمان منطقه‌ای قدرتمند از دولت‌های اسلامی غیرعرب بود تا بتواند در مقابل اتحادیه عرب قدرت‌نمایی نماید. ولی مرور زمان نشان داد که این کشورها خود به اندازه دولت‌های عربی غیرقابل اعتماد هستند و تولد اکو در سال ۱۳۶۳ باعث گسترده‌تر شدن ساختار اکو گردید. چنانچه کمیته‌های فرعی آن از ۴ کمیته در عهدنامه از میر به هفت کمیته در پروتکل اصلاحی افزایش یافت. در سال ۱۹۹۲ مصادف با بهمن ۱۳۷۰ نیز برای اولین بار سران کشورهای عضو در تهران دور هم جمع شدند و از همین زمان نیز روند جذب کشورهای جدید آغاز گردید.

این واقعیت نشان می‌دهد که هر بار تصمیمات سیاسی به نحو مطلوب اتخاذ شود و سران و مقامات عالی کشورها به اهمیت همکاری منطقه‌ای پی ببرند بدون شک تحول مطلوب دور از انتظار نخواهد بود.

• محور فعالیت ها :

- فعالیت های اکو از طریق مدیران تحت نظارت دبیر کل و معاونین وی صورت می پذیرد بدین ترتیب که طرح ها و برنامه هایی را که دارای منافع متقابل در حوزه های زیر را داشته باشد مد نظر قرار می دهند :



- * تجارت و سرمایه گذاری
- * حمل و نقل و مخابرات
- * انرژی ، مواد معدنی و محیط زیست
- * کشاورزی ، صنعت و توریسم
- * منابع انسانی توسعه پایدار
- * پروژه آمار و پژوهش اقتصادی
- * روابط بین الملل
- * کشورهای عضو اکو در یک نگاه

• اهداف :

- ارتقای شرایط برای توسعه اقتصادی پایدار و افزایش سطح زندگی و رفاه مردم.
- گسترش تجارت درون منطقه ای و فرامنطقه ای و حذف موانع تجاری .
- تلاش در جهت ادغام تجارت کشورهای منطقه با تجارت جهانی و ارتقای همکاری های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و علمی.
- توسعه زیربنای حمل و نقل و ارتباطات .
- توسعه همگرایی بخش دولتی و خصوصی با تاکید بر آزادسازی اقتصادی.
- تدوین برنامه مشترک جهت توسعه منابع انسانی و بهره برداری از منابع طبیعی.



- **ارکان اکو :**

- ارکان سازمان همکاری اقتصادی (اکو) بر اساس عهدنامه از میر عبارتست از:

- الف - شورای وزیران
- ب - شورای قائم مقامان
- ج - شورای برنامه ریزی منطقه ای
- د - کمیته های فنی
- هـ - دبیرخانه و - سازمان تخصصی

- **الف - شورای وزیران :**

این شورا به عنوان عالی ترین رکن تعیین کننده خط مشی سازمان محسوب می شود و با شرکت وزرای امور خارجه کشورهای عضو و یا دیگر نمایندگان که مقام وزارت داشته باشند تشکیل می شود. شورا دارای اجلاس سالانه بوده و حداقل یک بار در طی سال تشکیل جلسه می دهد.

در این جلسات، آیین نامه های داخلی تدوین و همچنین تصمیمات سازمان توسط آن اتخاذ می شود.

- **ب - شورای قائم مقامان :**

شورای قائم مقامان متشکل از مدیر کل وزارت امور خارجه ج. ا. ایران و سفرای کشورهای عضو در ایران بوده و به عنوان رکن دائمی از طرف وزیران رویه و خط مشی سازمان را تعیین و موضوعاتی را که مستلزم اتخاذ تصمیم توسط دول عضو می باشد، تنظیم می کند و در امور مربوط به اجرای تصمیمات شورای وزیران اقدامات مقتضی بعمل می آورد.

این شورا دارای اجلاس مرتب بوده و هر زمان که نیاز باشد تشکیل جلسه می دهد.

ریاست این شورا هر شش ماه به صورت دوره ای و به ترتیب حروف انگلیسی نام کشورهای عضو با یکی از این کشورها است که دارای نمایندگی ثابت در ایران می باشد.

ج - شورای برنامه‌ریزی منطقه‌ای:

شورای برنامه‌ریزی مرکب از رؤسای سازمان های برنامه دول عضو یا نمایندگان که دارای همان اختیارات باشند، بوده و حداقل سالی یکبار تشکیل جلسه می‌دهد. این شورا به طور کلی مطالعه درباره طرح های عمرانی و بررسی استعدادها و امکانات تولیدی کشورهای عضو را بر عهده دارد و پیرامون طرح های مشترک و قراردادهای طویل‌المدت و ایجاد هماهنگی بین طرح های همکاری دولت های عضو و اقداماتی که لازم است نسبت به انجام آنها تسریع به عمل آید اظهارنظر و توصیه‌های لازم را می‌نماید. توصیه‌های شورا به همراه گزارش نتایج ارزیابی به شورای وزیران جهت اتخاذ تصمیم ارائه می‌شود.

د - کمیته‌های فنی:

این کمیته‌ها که از نمایندگان کشورهای عضو تشکیل می‌شود، وظیفه دارند که موجبات ارتباط و تماس لازم در مورد طرح های خاص و مشترک سازمان را بین کشورهای عضو فراهم آورند. باید گفت در ابتدای تشکیل این سازمان در سال ۱۳۴۳ تحت عنوان RCD، ۱۷ کمیته وجود آمد، اما پس از زمانی کوتاه مسئولین به این نتیجه رسیدند که وجود کمیته‌های متعدد کیفیت‌ها را پایین می‌آورد و لذا با ادغام چند فعالیت در یکدیگر تعداد آنها را کاهش دادند.

• امروزه سازمان همکاری اقتصادی دارای ۸ کمیته به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- کمیته اقتصادی، بازرگانی
- ۲- کمیته صنعتی و فنی
- ۳- کمیته حمل و نقل و ارتباطات
- ۴- کمیته کشاورزی
- ۵- کمیته علمی، آموزشی و فرهنگی
- ۶- کمیته انرژی
- ۷- کمیته زیربنایی در امور عمومی
- ۸- کمیته بهداشت و محیط زیست
- ۹- کمیته مبارزه با مواد مخدر

هـ - دبیرخانه :

به منظور برقراری ارتباط بین ارگان های مختلف کشورهای عضو، تصمیم گرفته شد که سازمان همکاری اقتصادی (اکو) دارای یک دفتر دائمی به نام دبیرخانه باشد که مقر آن در تهران است. دبیرخانه اکو از یک دبیرکل و تعدادی کارمند اداری تشکیل گردیده و دارای وظایف متعددی است که عبارتند از: تهیه اسناد و مدارک لازم، تنظیم صورت حساب، نظرات و تصمیمات سازمان، حفظ ارتباط با دولتهای عضو و سایر ارگانها، تهیه گزارش سالانه، بررسی فعالیتهای سازمان همکاری اقتصادی (اکو) و ارزیابی موفقیت های آن، تهیه گزارش جامع درباره وضعیت اقتصادی کشورهای عضو و تسلیم آن به شورای وزیران.

و - سازمانهای تخصصی :

بر اساس ماده ۲۰ عهدنامه از میر، سازمان ها و مؤسسات تخصصی در برخی زمینه های خاص همکاری بوجود آمده و در همان زمینه فعالیت خود را آغاز کردند. برای اجرای این مفاد در حال حاضر سازمان اکو دارای چند مؤسسه تخصصی می باشد.



- **موافقت نامه های مهم منطقه ای :**
موافقت نامه تجاری اکو (اکوتا) :

- کشورهای ایران، ترکیه، پاکستان، تاجیکستان و افغانستان بنای موافقت نامه تجاری اکو را در اسلام آباد (۹/۴/۸۳) با هدف کاهش تعرفه ها بنا نهادند. در دومین اجلاس وزرای بازرگانی اکو، سه کشور بنیان گذار به پیشنهاد وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی ایران تصمیم به کاهش سقف تعرفه ها به حداکثر ۱۰ درصد در مدت ۵ سال گرفتند.

مرحل تصویب اکوتا در مجلس شورای اسلامی در حال نهایی شدن است.

- **موافقت نامه چارچوب حمل و نقل ترانزیت :**

به دنبال اجرایی شدن این موافقتنامه برگزاری اولین اجلاس شورای هماهنگی حمل و نقل ترانزیت از اقدامات مهم اکو طی سال گذشته بوده است. این موافقتنامه چهار کمیته شامل بیمه، راه آهن، جاده و حقوقی دارد.

- **موافقت نامه تشویق و حمایت از سرمایه گذاری :**

سه کشور افغانستان، آذربایجان و ترکیه موافقت نامه مذکور را امضا نموده اند. جمهوری اسلامی ایران تا کنون موافقتنامه مذکور را امضا نکرده و موضوع در دست پی گیری می باشد.

- **پیش نویس موافقت نامه همکاری بخش های تعاونی کشورهای عضو :**

این پیش نویس از سوی ایران در هفدهمین اجلاس شورای برنامه ریزی منطقه ای مطرح و هم اکنون در حال بررسی می باشد.

- **موافقت نامه تاسیس بانک اطلاعات جرایم گمرکی و قاچاق اکو :**

تا کنون کشورهای افغانستان، آذربایجان، پاکستان و ترکیه موافقت نامه مزبور را امضاء نموده اند.

- **موافقت نامه تاسیسی شرکت بیمه اتکایی اکو :**

کمیته سه جانبه برای نهایی کردن موافقتنامه مزبور توسط سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان در دستور کار است.

- **موافقت نامه تسهیل صدور روادید تجار و بازرگانان عضو اکو :**

این موافقتنامه در سال ۱۹۹۸ تنظیم و توسط سه کشور امضاء و در سال ۲۰۰۲ حد نصاب لازم را بدست آورده و لازم الاجرا گردیده است.

- **موافقتنامه تاسیسی بانک اکو :**

از تیرماه ۱۳۸۵ اجرایی شده و بر این اساس بانک اکو فعالیت خود را شروع کرده است . مقرر بانک در استانبول و دارای شعب در تهران و اسلام آباد خواهد بود.

- **آژانسی های تخصصی و موسسات منطقه ای :**

با توجه به رویکرد سازمان جهت توسعه همکاری های منطقه ای و فرا منطقه ای، سازمان اکو نهادهای تخصصی زیر را ایجاد کرده است :

۱ – **موسسه فرهنگی اکو :**

یک مرکز فرهنگی منطقه ای است و مقر آن در تهران می باشد و در چهارچوب اکو، اهداف و برنامه های مشترک فرهنگی را طرح ریزی و اجرا می نماید. هدف اصلی موسسه فرهنگی اکو ارتقا همکاری و مشارکت نزدیک بین مردم منطقه و همکاری بین رسانه های گروهی ، اندیشمندان ، روشنفکران، هنرمندان و کلیه اقشار که به نوعی در زمینه میراث مشترک منطقه صاحب نظر و یا فعال هستند، می باشد. تقویت مبادلات فرهنگی، برپایی نمایشگاه های هنری، برگزاری مسابقات ورزشی، برپایی سمینارها و کنگره های ادبی، انتشار آثار برتر منطقه، تقویت همکاری در زمینه باستان شناسی و معماری، گسترش زبان های رایج منطقه و از جمله اهداف و برنامه های مورد نظر موسسه فرهنگی اکو می باشد .

۲ – بنیاد علمی اکو :

مرکز بنیاد علمی اکو در اسلام آباد پایتخت پاکستان است و وظایف و اهداف کلی بنیاد مذکور عبارتند از : تربیت نیروی متخصص و ماهر، ارتقا سطح علمی مؤسسات تحقیقاتی، ارزیابی مسایل مربوط به تکنولوژی و چگونگی انتقال تکنولوژی مدرن، مبادله اطلاعات علمی و غیره

۳ – موسسه آموزشی اکو :

مرکز موسسه آموزشی اکو در آنکارا پایتخت ترکیه قرار دارد و وظایف و اهداف کلی آن عبارتند از: تشکیل کرسی های مشترک و متقابل در دانشگاه ها، مبادله دانشجو و اهدای بورسهای مطالعاتی و فرهنگی بین کشورهای عضو، تاسیس دانشگاه و غیره .

۴ – مؤسسات منطقه ای :

مؤسسات منطقه ای اکو با مبنا قراردادن حمل و نقل و ارتباطات به عنوان عناصر زیر بنایی در توسعه اقتصادی تشکیل شده اند و عبارتند از :

- ۱ . اتاق بازرگانی و صنایع اکو .
- ۲ . شرکت مشترک کشتیرانی (اکو) .
- ۳ . شرکت هواپیمایی اکو .
- ۴ . مؤسسه آموزش عالی بیمه اکو .
- ۵ . مرکز بیمه اکو .
- ۶ . شرکت بیمه اتکایی اکو .
- ۷ . مؤسسه فرهنگی اکو .
- ۸ . بانک تجارت و سرمایه‌گذاری اکو .
- ۹ . بنیاد جوانان اکو .

- هر ساله این مؤسسات گزارشاتی در خصوص فعالیت خود به دبیرخانه اکو ارائه می‌دهند . چنانچه نیاز به اتخاذ تصمیماتی داشته باشند که دارای تاثیر بر خط مشی سازمان باشد قبلاً از دبیرکل کسب مجوز می‌نمایند و سرانجام جهت اجرای تصمیمات خود از طریق دبیرخانه از کمک کشورهای عضو برخوردار می‌شوند . این مؤسسات ارکانی فرعی وابسته به سازمان محسوب می‌شوند که توسط شورای وزیران بوجود آمده‌اند و هر زمان لازم باشد تعدادشان بنا به ضرورت توسط همان شورا افزایش و یا کاهش خواهد یافت . هم چنین طی سالهای اخیر دو همکاری مشترک منطقه ای دیگر نیز بین سازمان های ذیربط کشورهای عضو اکو بوجود آمده است .

- این دو موسسه خارج از تشکیلات اکو و بصورت مستقل عمل می‌کنند و عبارتند از :

الف : اکو سای : (ECOSAI) :

مؤسسات عالی حسابرسی کشورهای عضو اکو

ب : اکونا : (ECONA) اکونا یا خبرگزاری اکو:

متشکل از خبرگزاری های کشورهای عضو اکو

- **۵- روابط اکو با سازمان های منطقه ای و بین المللی :**

یکی از اهداف اکو ایجاد و گسترش روابط با دیگر سازمان های بین المللی و منطقه‌ای می باشد. تعدادی از این سازمان ها وابسته به سازمان ملل متحد می‌باشند و تعدادی به صورت منطقه‌ای فعالیت می‌کنند ..

- **این سازمان‌ها عبارتند از :**

۱. برنامه عمران ملل متحد (UNDP)
۲. کمیسیون اقتصادی - اجتماعی ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه - اسکاپ (ESCAP)
۳. سازمان حمایت از کودکان ملل متحد - یونیسف (UNICEF)
۴. صندوق جمعیت ملل متحد (UNFPA)
۵. سازمان توسعه صنعتی ملل متحد - یونیدو (UNIDO)
۶. سازمان علوم و فرهنگ ملل متحد - یونیسف (UNISEF)
۷. برنامه بین‌المللی کنترل مواد مخدر (UNDCP)

- ۸. سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد – فائو (FAO)
- ۹. سازمان کنترل توسعه و تجارت ملل متحد – آنکتاد (UNCTAD)
- ۱۰. سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)
- ۱۱. بانک توسعه اسلامی
- ۱۲. اتحاد اروپا (EU)
- ۱۳. سازمان تجارت جهانی (WTO)
- ۱۴. اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا – آسه آن (ASEAN)

- هر یک از نهادهای فوق در زمینه های تخصصی مربوطه فعالیت دارند. هم چنین اکو ایجاد تعدادی از مراکز منطقه ای تخصصی را نیز تصویب کرده است که از آن جمله اند:
 - مرکز منطقه ای مدیریت خشکسالی در مشهد
 - مرکز منطقه ای انتقال تکنولوژی در تهران
 - مرکز منطقه ای مبارزه با بلایای طبیعی
 - کمپسیون دائمی مبارزه با بیماری های دامی

• معرفی مدیریت ها و مراجع ملی اکو :

- -مدیریت حمل و نقل و ارتباطات
 - -مدیریت صنعت، کشاورزی و گردشگری
 - -مدیریت تجارت و سرمایه گذاری
 - -مدیریت انرژی، معادن و محیط زیست
 - -مدیریت پروژه، آمار و تحقیقات اقتصادی
 - -مدیریت توسعه پایدار و منابع انسانی
 - -سازمان های تخصصی
- هر یک از هفت مدیریت داخلی سازمان اکو وظایف خود را در هماهنگی با سایر نهادها و مراجع ملی کشورهای عضو انجام می دهند.

• معرفی اداره اکو :

وظیفه اصلی به عنوان مرجع ملی اصلی هماهنگ کننده ارتباط نهادها و دستگاه های اجرایی با دبیرخانه و نمایندگی دائمی ج.ا.ا در اکو. یک یا دو کارشناس با توجه به اهمیت و حجم کار در هر یک از مدیریت های فوق در اداره امور اکو مشغول انجام وظیفه است .

• بعنوان مثال کلیه فعالیت های صنعت، کشاورزی و توریسم منطقه از طریق کمیته صنعت اداره اکو با نهادهای داخلی و هم چنین نهادهای خارجی در کشورهای منطقه هماهنگ می گردد . هر یک از مدیریت های سازمان نیز سالیانه کارگاه های آموزشی و هم چنین اجلاس هایی را در سطح کارشناسی، مقامات ارشد و وزرا برگزار می کنند.

تقویم وقایع اکو : (calendar of events)

- این تقویم برنامه نشست ها، کارگاه های آموزشی و اتفاقات مهم را درون منطقه برای یک سال زمان بندی می نماید.
- دبیرخانه سازمان اکو کلیه اطلاعات مربوط به فعالیت ها، نشست ها، تصمیم گیری ها، پروژه ها و طرح های این سازمان را در سایت www.ecosecretariat.org آورده است که علاقمندان می توانند برای اطلاعات بیشتر به این آدرس رجوع کنند.

چالش های پیش روی اکو :

- هم‌مرز بودن اکو با قدرت های جهانی از جمله روسیه ، اروپا، چین و حتی هندوستان، راه داشتن آن به دریای خزر، اقیانوس هند و خلیج فارس و مدیترانه موقعیت سوق الجیشی فوق العاده‌ای در اختیار آن قرار داده است.
- در دنیای حاضر که اقتصاد جهانی به سمت منطقه‌گرایی پیش می‌رود این سازمان می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در منطقه و حتی جهانی داشته باشد.
حضور ۳۵۰ میلیون نفر جمعیت می‌تواند در این زمینه مؤثر واقع شود.
به نظر نمی‌رسد که بتوان برای مجموعه اکو بدون در نظر گرفتن آینده تک تک کشورهای عضو، فصل مستقبلی را پیش‌بینی کرد زیرا اعضای اکو بیشتر از آنکه مجموعه‌ای از کشورها در چارچوب یک ساختار واحد باشند مخلوطی از کشورها هستند که اسماً و نه رسماً در کنار هم جمع شده‌اند..
- ابتدا از کشور ترکیه شروع می‌کنیم.
نرخ تورم بالا در این کشور مشکلی جدی بر سر راه عضویت آنکارا در اتحادیه اروپاست.
در انتهای هزاره دوم میلادی تولید ناخالص ملی همه اعضای اکو به جز ترکیه به صورتی نسبتاً پایدار پیشرفت کرده است.
نرخ برابری ارز با پول ملی نیز قابل دفاع نمی‌باشد. از همه این ها مهم‌تر مسأله بدهی‌های خارجی این کشور است که ترکیه را در زمره یکی از مقروض‌ترین دولت‌های جهان قرار داده است. این کشور هر گاه از عضویت در اتحادیه اروپا دلسرد شده توجه خود را به سمت اکو افزایش داده و سعی در بالا بردن سطح همکاری در منطقه اکو می‌نماید.
تولد روابط تل آویو - آنکارا در طی دهه گذشته تأثیرات مخرب خویش را به اکو گذاشته است. این همکاری‌ها که با حمایت و فشار بی‌دریغ ایالات متحده برای خارج کردن رژیم صهیونیستی از انزوای منطقه‌ای همراه است متأسفانه کشورهای عضو را سخت نگران کرده است.
سهم این کشور از تجارت میان منطقه‌ای یا به عبارت دیگر میزان مبادلات با اعضای دیگر معادل ۲/۳ درصد کل مبادلات خارجی ترکیه را شامل می‌شود.

- پاکستان یکی از فقیرترین کشورهای دنیاست. توسل این کشور به اکو بیشتر به عنوان یک حربه سیاسی قلمداد می‌شود. هر گاه اقتضا می‌کند پاکستان با توسل به سازمان اکو به هندوستان نشان داده است که در منطقه از گوشه نشینی برخوردار نیست. این کشور هر چند در این چند ساله با روند نزولی تورم روبه‌رو بوده است ولی عدم جذب مناسب سرمایه‌های خارجی علی‌الخصوص بعد از کودتای دهه پیش و مسایل داخلی عدیده از جمله ترورهای فرقه‌ای و مشکلات دیگر در مناقشات مرزی و غیره، اسلام آباد را از توجه به مشکلات اقتصادی بازداشته است. پاکستان ۳/۲ درصد مبادلات خارجی خود را در مجموعه اکو انجام می‌دهد که پس از قزاقستان کمترین میزان تجارت منطقه‌ای از آن این کشور است.

افغانستان پس از پایان کشمکش‌های داخلی و زوال طالبان قصد دارد کابل را به عنوان مرکز تجارت منطقه‌ای تبدیل نماید. کنفرانسی که مدتی پیش در کابل با حضور اعضای جدید بلندپایه اکو برگزار گردید در ۲۵ سال اخیر در این کشور بی‌سابقه بوده است. به همین منظور و با توجه به اینکه کابل تصور می‌کند اکو ظرفیت‌های قابل توجهی برای پیشبرد و توسعه افغانستان در اختیار دارد در حال حاضر توجه ویژه‌ای به سازمان نشان می‌دهد. مسوولین این کشور تلاش می‌کنند تا با بالا بردن امنیت سرمایه‌گذاری در این کشور اقبال جهانی را که پس از جنگ اخیر برای کمک به این کشور ایجاد شده بود تقویت نموده و از آن به نفع کشور جنگ زده خویش سود جویند. کابل هم چنین امید فراوانی به استفاده از صنعت توریسم دارد. سابقه غنی تاریخی این کشور نیز که مدیون تاریخ کهن ایران باستان است می‌تواند کمک شایان توجهی به رونق اقتصادی این کشور بکند.

- شش کشور آسیای میانه‌ای عضو نیز هر چند در ابتدا با امیدهای فراوان وارد این سازمان شدند ولی هم اکنون دریافته‌اند که کمک‌های خارج از منطقه و حمایت‌های آمریکا بسیار سهل‌الوصول‌تر از حرکت‌های آهسته منطقه‌ای است. این شش کشور حتی به وجهی شدیدتر از باقی اعضا وابسته بوده و به خاطر همین وابستگی توان تصمیم‌گیری مستقل برای پیشبرد اهداف اکو را از دست داده‌اند. کشورهای آسیایی میانه قویاً به دنبال یک چتر حمایتی از خارج منطقه هستند و علی‌الخصوص برای خلاصی از کابوس بازگشت به زیر یوغ روسیه حاضرند به هر نحو ممکن با اروپا یا علی‌الخصوص آمریکا بر سر میز حراج بنشینند و بهای این حمایت را پرداخت نمایند.

- بیشترین و کمترین میزان تجارت منطقه‌ای بین همین کشورهاست. آذربایجان با ۱۲/۹ درصد کل مبادلات خود بیشترین و قزاقستان نیز با ۹/۱ درصد آن کمترین این میزان را در اختیار دارند. ترکمنستان نیز رقم قابل ملاحظه‌ای نسبت به باقی کشورها به تجارت منطقه‌ای اختصاص داده است.
- **موقعیت ایران در اکو :**
- ایران جز اعضای موسس این سازمان است و از طرف دیگر به دلیل داشتن مرز زمینی با ۵ کشور دیگر عضو و دارا بودن موقعیت استراتژیک جغرافیائی برای برقراری اتصال سایر اعضا به آب‌های بین‌المللی و نیز به دلیل استقرار دبیرخانه دائمی اکو در تهران از موقعیت محوری در این سازمان برخوردار است. اما متأسفانه به دلیل مشکلات سیاسی ایران در نظام بین‌الملل، نتوانسته ایم از این پتانسیل به درستی استفاده کنیم. البته برخی از مشکل به خود کشورهای عضو بر می‌گردد زیرا همکاری مشترک درون سازمانی بین کشورهای عضو بسیار پایین است. با این وجود در صورتی که کشورهای منطقه بتوانند بر مشکلات داخلی و منطقه‌ای خود فایز آیند ایران می‌تواند از موقعیت خود در این سازمان نهایت استفاده را ببرد.
- سازمان همکاری منطقه‌ای اکو با وجود عضویت کشورهایایی با منابع زیرزمینی سرشار و سرمایه مناسب اما نتوانسته به اهداف پیش گفته خود دست یابد بیشتر همکاری کشورهای عضو سازمان دو جانبه است تا درون سازمانی و این خود از جمله مشکلات این سازمان است.
- در دهه ۱۳۷۰ ایران کوشید با توسعه راه آهن خود، کریدور مطمئنی برای مبادلات کشورهای آسیای میانه ایجاد نماید. همه این تلاش‌ها در وضعیتی بود که ایران تصور می‌نمود لقمه آماده میانه آسیا از چنگال تیز ایالات متحده مصون خواهد ماند. در مجموع اکو روابط تهران - آنکارا همواره سطح تعیین‌کننده‌ای داشته است. تاریخ نشان داده است هر گاه روابط آنکارا و تهران در سطح مطلوبی قرار داشت اکو نیز به سطح مطلوبی از همکاری دست یافته است. اما علاقه فراوان کشورهای آسیای میانه به حمایت از خارج منطقه از یک سو و مسأله گسترش ناتو به این کشورها از سوی دیگر از جمله عمده مسایلی است که تهران را سخت آزرده خاطر کرده است.
- هر چند بالا بودن سطح کیفی اقتصاد ایران نسبت به سایر اعضا می‌توانست یک نقش راهبردی برای تهران به ارمغان آورد ولی کشمکش‌های بین‌المللی ایران و ایالات متحده که تأثیر مستقیم آن بر کشورهای آسیای میانه مشهود است مانع از این نقش آفرینی شده است. برای مثال می‌توان خطوط لوله باکو - جیهان را از نظر گذراند.

• ایران هر چند نسبت به اعضای اصلی اکو یعنی پاکستان و ترکیه سهم بیشتری به مبادلات درون منطقه‌ای اختصاص داده است ولی ۲/۴ درصد از کل مبادلات سهم قابل توجهی نمی‌تواند باشد اما به‌طور کلی، عوامل واگرایی که در سازمان اکو وجود دارد می‌توان به موارد زیر خلاصه کرد :

(۱) تفاوت ساختار اقتصادی کشورهای عضو :
مثلاً کشوری آسیای مرکزی که در حال گذار از یک سیستم متمرکز به سوی اقتصاد بازار هستند، و یا گسترده‌تر بودن بخش خصوصی در ترکیه نسبت به دیگر کشورهای عضو اکو.

(۲) فقدان برنامه مدرن اقتصادی و نامکمل بودن اقتصاد کشورهای عضو :
علاوه بر آن کارشناسان ضعف بخش خصوصی را یکی از دلایل ناکارآمد بودن این سازمان می‌دانند. صرف نظر از اینکه ترکیه، پاکستان و ایران دیگر کشورهای عضو اکو دارای بخش خصوصی بسیار ضعیف و ناپایب هستند.

(۳) فقدان سرمایه برای توسعه در اکثر کشورهای عضو :
بخصوص افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی.

(۴) فقدان نهادهای لازم به منظور حمایت از روابط تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی :
در برخی از کشورهای عضو .

(۵) ضعف قوانین و فقدان مقررات ناظر بر تجارت حجم نه چندان چشمگیر تعاملات اقتصادی و تجاری بین سه کشور قدرتمند سازمان (ایران، ترکیه و پاکستان) علی‌رغم عضویت دیرینه‌شان در سازمان آر.سی.دی و جانشین آن اکوت و سرمایه‌گذاری در برخی از کشورهای عضو :

(۶) عدم وجود اطمینان لازم :
نگرانی برخی از اعضا نسبت به نیت یکدیگر با توجه به تفاوت نظام‌ها و دیدگاه‌های سیاسی در این کشورها.

(۷) اعمال نفوذ برخی کشورهای خارجی و فرامنطقه‌ای :
از جمله آمریکا و اسرائیل به‌خصوص در دو کشور ترکیه و جمهوری آذربایجان و با حضور نظامی آمریکا در افغانستان.

(۸) عدم وجود دیدگاه‌های سازنده منطقه‌ای :
چراکه لازمه پیشرفت و توسعه، گذشت اعضا از منافع کوتاه مدت در مقابل منافع کلی‌تر و بلند مدت‌تر است.

۹) تفاوت رژیم‌های سیاسی و تعارضات سیاسی و عقیدتی بین اعضاء :
مثلاً ایران و ترکیه که این کشور خواهان حکومت‌های سگولار و تضعیف گام به گام هویت شیعی در منطقه به‌ویژه جمهوری آذربایجان می‌باشد در حالی که، ایران خواهان وجود حکومت‌های اسلامی بوده و همواره از نظام لائیک انتقاد شدید کرده است.

۱۰) دلبستگی اعضاء به غیر از منطقه :
مثلاً همکاری ترکیه با غرب به ویژه آمریکا، اروپا تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا؛ یا پاکستان که در تعاملات اقتصادی خود نیم نگاهی به شرق و نیم نگاهی به غرب دارد تجهیز منابع اقتصادی خود برای هماهنگی با اقتصاد بین‌المللی را دارای اهمیتی حیاتی‌تر می‌داند تا تقویت همکاری با آکو.

۱۱) نوپا بودن حکومت فقدان امنیت و ثبات سیاسی در برخی از کشورها :
مانند آسیای مرکزی افغانستان که با مسائلی از جمله جنگ و اشغال از سوی نیروهای بیگانه، قاچاق موادمخدر و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای، فقر و محرومیت دست و پنجه نرم می‌کند.

۱۲) حل نشدن رژیم حقوقی دریای خزر:
که روابط کشورهای ذینفع در این رابطه را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و کدورت‌ها و دلخوری‌های سیاسی مانع در روند هم‌گرایی سیاسی و اقتصادی بین اعضاء سازمان آکو می‌شود.

۱۳) صادرات مواد خام و تک‌محصولی بودن :
مشکلی است که بین اعضاء پررنگ شده است. این کشورها برخی کشمکش‌های درون منطقه‌ای نیز در همین زمینه دارند که از جمله آنها می‌توان به مشکلات آذربایجان و ترکمنستان در مورد منابع نفتی اشاره کرد.

۱۴) جنگ هشت‌ساله ایران با عراق :
که بیشتر بتانسیل و منابع کشور قدرتمند عضو آکو را صرف مسائل نظامی و دفاعی کرد. در واقع جنگ تحمیلی بر ضد ایران فرصت‌های طلایی برای پیشرفت اقتصادی منطقه را به حاشیه راند. نگاهی به کارنامه آکو نشان می‌دهد عوامل سیاسی در این پیمان همواره بر جنبه‌های اقتصادی آن غلبه داشته است. اگرچه سیاست و اقتصاد همواره تأثیر متقابلی بر یکدیگر داشته‌اند، اما به دلیل دولتی بودن اقتصاد در اکثر کشورهای عضو آکو، تأثیر سیاست بر تصمیمات اقتصادی این سازمان دوچندان می‌شود.

• اقدامات مهم اکو در چند سال اخیر عبارتند از :

- امضای پروتکل تعرفه های ترجیحی در سال ۱۳۷۵ ، شکل گیری موسساتی چون بانک تجارت و توسعه، تاسیس شرکت بیمه اکو، امضای موافقتنامه تجارت ترانزیت منطقه ای، احیای موسسه فرهنگی اکو در تهران به منظور حفظ پیوندهای دیرینه و گسترش روابط موجود از طریق اجرای برنامه ها و فعالیتهای مشترک فرهنگی در ابعاد گوناگون ، تاسیس بنیاد علمی اکو به منظور تربیت کادر متخصص علمی در اسلام آباد و تاسیس موسسه آموزشی اکو در آنکارا.

• جهانی شدن اقتصاد در ایران :

• بین المللی شدن اقتصاد :

- مهمترین موضوعی که به نظر می رسد در شیوه های مسلط بر برنامه ریزی توسعه در ایران همواره مورد غفلت و یا عمدتاً در حاشیه قرار گرفته ، موضوع بین المللی شدن اقتصاد کشور است .
بین المللی شدن اقتصاد ایران، مانند بین المللی شدن اقتصاد همه کشورها، امری نیست که ما آن را از پیش بررسی کرده ، بپذیریم و یا رد کنیم .
بین المللی شدن اقتصاد با گسترش ارتباطات اقتصادی باجریان خارج به تدریج اتفاق می افتد .
افزایش کمی و کیفی داد و ستدها ، قرار دادها و تعاملات در بخش های مختلف اقتصاد با خارج ، اقتصاد ملی را وارد عرصه بین المللی می کند و زمانی که این نوع تعاملات بزرگ و گسترده شد ، اقتصاد ملی را به اندازه حجم و قدرت خود ، جزیی از اقتصاد منطقه و یا اقتصاد جهان می گرداند.

- وقتی بخواهیم با یک رویکرد بین المللی برای اقتصاد ملی خودمان برنامه ریزی کنیم بجای آن که فقط نیاز رشد و توسعه جهش های اقتصادی خود را متغیر اصلی به حساب آوریم ، باید امکانات و جایگاه کشورمان در منطقه و جهان و نسبت کشورمان با کشورهای دیگر را مد نظر قرار دهیم .
مثلاً" به جای آن که فکر کنیم چگونه چاه های نفت و گاز فلان حوزه را استخراج کنیم ، به این بیندیشیم که ایران در منطقه ای واقع شده که می تواند به یک مرکزیت تولید و توزیع انرژی تبدیل شود با استفاده از شبکه های موجود و برنامه ریزی برای تقویت آن ، می تواند از گاز و نفت را به مناطق مختلف توزیع کند.

اقتصاد ملی کشور ما روز به روز به طور فزآینده ای در جریان بین المللی شدن قرار دارد.
نا دیده انگاشتن آن ، واقعیت را تغییر نمی دهد بلکه ما را در برخورد با وجوه و مظاهر بین المللی شدن ، به راه حل های مقطعی و روز مره می کشاند.

- از آنجا با بین المللی شدن اقتصاد در هر بخش ، یک کانال ارتباطی بین اقتصاد خارجی و اقتصاد ملی ایجاد می کند لذا ما را هم در برابر فرصت ها و هم در برابر چال های غیر منتظره قرار می دهد.
فقدان برنامه ریزی برای بر خورد با بین المللی شدن به معنی از دست دادن فرصت ها و متاثر شدن از مشکلات و چالش ها خواهد بود.
- ضعف های اقتصاد ایران :
مشکل ما نه در اصل پیوستن به جهانی سازی اقتصاد ، بلکه در چگونگی پیوستن است .
زیرا تجارت بسیاری از کالا های ساده سرمایه ای ، تحت کنترل خریداران عمده خارجی شرکت های چند ملیتی است و آنان در تجارت کالاهایی ، نظیر پوشاک ، منسوجات الکترونیک و غیره آن نقش اصلی را بر عهده دارند .
آنان در بازار رقابتی- چه فروشنده و خریدار عمده - نبض بازار را به دست دارند ، و به تجارت پر سود خود مشغولند و اجازه سر بر آوردن به رقبای جدید نمی دهند و انتظار دارند کشور طرف معامله با آنان هیچ گونه ممانعت و مزاحمتی در تملک صنایع داخلی برای خارجیان ایجاد نکند .
- اکنون شرکت های چند ملیتی در بسیاری صنایع کشورهای تازه صنعتی شده ، مثل الکترونیک ، ماشین آلات ، تجهیزات حمل و نقل و مصنوعات فلزی ، نقش محوری دارند و مالکیت آن ها بر بسیاری از کارخانه ها امری رایج است .
در چنین فضایی ، این فکر که ما هر چه را که بخواهیم تولید و به هر کجا بخواهیم صادر می کنیم ، نشانه خام اندیشی است ، زیرا به سادگی می توان در یافت که شرکت های چند ملیتی ، به راحتی مزایای تجارت آزاد را با دوستان جدید خود قسمت نمی کنند و بسیار بیش تر از آن چه ببخشند از ما خواهند ستاد .
- از این گذشته ، اقتصاد ایران ، دارای نقطه ضعف هایی است که باید برای آنها چاره ای اندیشید . پیوستن به جهانی سازی اقتصاد ، این ضعف ها را بر طرف نمی سازد و با وجود آن ، نمی توان از مزایای رقابت بین المللی بهره برد .
تاکنون در عرصه جهان از بین کشورهای در حال توسعه ، تنها تعدادی اندک توفیق یافته اند که وضعیت جدید اقتصادی جهانی ، بهره برداری کنند و جوامع صنعتی نوینی را پدید آورند ، اما اکثر کشورهای در حال توسعه که چه بسا نقطه ضعف های برخی از آن ها کمتر از کشور ماست . هنوز نتوانسته اند خود را به تکنولوژی لازم مسلح کنند و در بازار جهانی جایگاه در خوری بیابند که وضع زندگی ملت خود را بهبود بخشند .
بنابراین ، تجارت آزاد فرشته رحمتی نیست که در همه جا و با هر و صنعتی ، ملت ها را خوشبخت کند .

- ضعف های اقتصاد ایران ممکن است ، بسیار باشد ، ولی ما تنها برخی از آن ها اهمیت زیادی دارد بیان می کنیم :
- دانش اقتصاد در ایران ریشه ملی ندارد و یک علم کاملاً وارداتی است و هیچ گاه حالت بومی به خود نگرفته است و ما از این نظر ، مصرف کننده صرف هستیم .
- با این که متخصصان علوم انسانی در سایر رشته ها ، نظیر حقوق و روانشناسی می کوشند به نوعی یافته های خویش را با ارزش های جامعه ایرانی تطبیق دهند و جای پای برای خود درسنت ها پیدا کنند ، ولی علم اقتصاد در ایران ، هم چنان حالت ترجمه ای خود را حفظ کرده است .
- مشکل دیگری که مطرح است ، ضعف برنامه ریزی و مدیریت اقتصادی است این مشکل تا حدی ناشی از سیاست زدگی اقتصاددانان و نادیده گرفتن مصالح و اولویت های اقتصادی ، به انگیزه های جناحی است .
- بخشی دیگر به سبب سهل گیری و ساده دیدن بیش از حد قضایا و انتخاب آسان ترین راه حل است که معمولاً نارساترین و پرهزینه ترین از آب در می آید .
- مثلاً برای جلوگیری از اسراف نان و اتلاف انرژی ، چاره کار افزودن قیمت آن ها دانسته می شود ، اما پس از چندین سال اثر مثبتی پدیدار نمی گردد .
- در حقیقت نظام برنامه ریزی ، اقتصادی ایران با سابقه طولانی در تدوین برنامه های میان مدت و دراز مدت توسعه ، دچار ضعف تئوریک است .
- متأسفانه ، در بین اقتصاددانان ایرانی ، وحدت نظر وجود ندارد ، و اختلافات آنها ، تنها به گرایش به مکاتب و نظریه های اقتصادی محدود نمی گردد . عدم کامیابی اقتصادی ایران در دهه های اخیر آنان را به مجادله های بی حاصل کشانده است .
- آن ها به هیچ گونه مجمع و یا تشکیلات موثری ندارند که بتواند در میانشان، اجماع نظری به وجود آورد؟ آنها نتوانسته اند سیاست مداران را تحت تاثیر قرار دهد، حتی گاه دیده شده است که یک فرد خاص، برای باقی ماندن در پست های کلیدی اقتصاد کشور، در یک دوره کوتاه از دو سیاست گذاری متضاد اقتصادی جانب داری نموده است.
- کلام آخر این که ؛ جهانی شدن اقتصاد ایران ، به معنی پذیرش الگوی سرمایه داری است و پذیرش الگوی سرمایه داری آرمان های انقلاب اسلامی و جهان بینی و ارزش های اخلاقی اسلام سر تضاد دارد... ./

کمیته مذاکرات تجاری - TNC

(منطقه آزاد تجاری آمریکا)

۲۵

• مناطق آزاد ایالات متحده آمریکا :

- - **اول :** بیش از دویست منطقه تجاری خارجی و مناطقی فرعی وابسته به آنها که به لحاظ فیزیکی خارج از حوزه گمرکی این کشور قرار دارند.
- هدف اصلی این مناطق در درجه اول ، مشارکت بیشتر در تجارت بین‌المللی ، و در درجه دوم افزایش اشتغال در دوره بحران بزرگ (دهه ۱۹۳۰) بوده است.
- - **دوم :** چندین منطقه و ایالت مستقل وجود دارند، که با استفاده از مزایای مالیاتی ، شرکت‌های منطقه‌ای در آنها فعالیت اقتصادی قابل توجهی داشته و توانسته‌اند از بیکاری و رکود در اقتصاد آمریکا بکاهند. در سال ۱۹۸۰ میلادی این آثار مثبت به‌طور روشن تری نمودار شده‌اند.
- - **سوم :** تعدادی از پارک‌های علمی (Science parks) وجود دارند، که در صنایع با تکنولوژی بالا که در رابطه با مناطق آزاد کوچک هستند فعال می‌باشند.
پارک‌های علمی نتیجه دو عامل هستند:
یکی ، استفاده از استعدادهای علمی در دانشگاه‌های عمده و مهم، و دیگری توجه دولت به این مرکز از طریق ایجاد تسهیلات تحقیق و توسعه (R&D) ، و در نتیجه جذب سرمایه‌ها به این مراکز.
در این مراکز علمی ، دیدگاه‌های تکنولوژیکی جدید ، حرفه‌هایی با سطح مهارت و تخصص بالا و سایر شرایط لازم به‌وجود آمده‌اند.

- علی‌رغم اختلاف در کیفیت نقش و تأثیرگذاری هر سه مورد فوق‌الذکر یعنی :
منطقه تجاری خارجی ، شرکت‌های منطقه‌ای ، و پارک‌های علمی ، تأثیرات سازنده‌ای در اقتصاد ایالات متحده آمریکا داشته‌اند. که از جمله مهم‌ترین آنها ایجاد محیط‌های است، که نوآوری و فعالیت تشکیلات اقتصادی را تشویق می‌کند. که ایالات متحده، هنوز به‌طور کامل به این اهداف دست نیافته است، البته پارک‌های علمی یادشده ، نقش مهمی در ترفیع ایالات متحده در امر رقابت بین‌المللی داشته‌اند. از دو نوع پارک علمی (مراکزی که به‌طور خودجوش به‌وجود آمده‌اند و مراکزی که براساس برنامه و هدف تأسیس شده‌اند) در حال حاضر پارک‌های علمی نوع دوم، در حال احداث هستند.
- مشهورترین و موفق‌ترین پارک‌های علمی که به دسته اول تعلق دارند عبارت هستند از:
Silicon valley در منطقه Santa Clara کالیفرنیا ، نزدیک به دانشگاه استانفورد، ۱۲۸ Boston's route در نزدیکی انستیتو تکنولوژی ماساچوست و دانشگاه هاروارد ، پارک شمال North Carolina's Research Triangle Park در نزدیکی دانشگاه دوک (Duke) و دانشگاه کارولینای شمالی Carolina .
- منابع مالی تأمین‌کننده برای پارک‌های مذکور، شامل :
کمک‌های دولتی و استفاده از مالیات‌های تحقیق و توسعه توسط مناطق می‌باشند، علاوه بر این ها برخی از شرکت‌های فعال در مناطق ، که برای تولیدات خود از تکنولوژی پیشرفته استفاده می‌کنند نیز جزء منابع تأمین مالی پارک‌های علمی به شمار می‌آیند.
- عمده‌ترین دستاورد این پارک‌ها ایجاد محیط‌هایی برای خلق تکنولوژی جدید، و تربیت افراد متخصص که در فرآیندهای تولید این عوامل نقش مؤثری را ایفاء می‌کنند، می‌باشد.
- با این حال فعلاً هیچ فهرست جامعی برای کم و کیف نوآوری‌های جدید که از این مراکز به‌دست می‌آیند وجود ندارد و می‌توان عملکرد آنها را صرفاً براساس برخی تخمین‌ها ارزیابی کرد.

– امتیازاتی که در آمریکا برای مناطق تجاری قائل شده‌اند، شامل استفاده از نرخ تعرفه کمتر برای واردات می‌باشد که در صنایع، این سیاست به‌گونه‌ای است که نرخ تعرفه در مورد واردات اجراء کالاهای صنعتی، بیش از نرخ تعرفه مربوط به تولیدات نهائی می‌باشد. صنعت اتومبیل‌سازی از جمله صنایعی است، که مشمول سیاست‌های فوق‌الذکر می‌گردد. به نظر می‌رسد، فعالیت عمده‌ی صنعتی در مناطق تجاری خارجی به صنایع اتومبیل‌سازی اختصاص دارد. در عین حال دلیلی بر این مطلب که نرخ اشتغال در این صنعت بدون وجود مناطق مذکور پائین‌تر می‌بود وجود ندارد.

- درباره علت این تفاوت در نرخ تعرفه‌ها باید گفت که از آنجائی که تقاضا برای قطعات یدکی بیش از تقاضا برای تولیدات آنها است، بدین لحاظ در صدد بالا بودن نرخ تعرفه برای قطعات یدکی از واردات آنها نسبت به واردات کالاهای نهائی جلوگیری به عمل خواهد آمد در این شرایط یا باید کالاهای نهائی را وارد کرد و یا قطعات را در داخل تولید کرد.

- دسته اول از مناطق آزاد (مناطق تجاری خارجی) به دو گروه اساسی تقسیم می‌شوند:

۱. مناطق اصلی با هدف‌های کلی .

۲. مناطق فرعی با هدف‌های خاص مناطق اصلی و نیز با هدف‌های کلی .

عبارت از مناطقی هستند که تحت شمول و نظارت گمرکات ایالات متحده می‌باشند.

مناطق مذکور معمولاً در مجاورت و نزدیکی انبارهای بزرگ و در کنار پارک‌ها و مراکز صنعتی قرار گرفته‌اند.

اما مناطق فرعی، علی‌رغم، مناطق نوع اول، بیشتر مرکز فعالیت شرکت‌های خصوصی هستند، که به اهداف مشخص توجه دارند، این مناطق از لحاظ تکنولوژیکی تحت تأثیر مناطق نوع اول می‌باشند، اما عملکرد خاص خود را دارند.

- مناطق با هدف‌های کلی، به‌وسیله کمک‌های دولتی تأسیس می‌گردند، این کمک‌ها توسط مسئولین مربوطه در واشنگتن D.C تأمین می‌گردند.
- اصلاحیه قانون سال ۱۹۳۴ در زمینه مناطق آزاد، محدودیت‌هایی موجود در قانون اولیه را که شامل: محدودیت‌های مربوط به: صادرات مجدد، نقل و انتقال، و ممنوعیت از فعالیت‌های نمایندگی و کارخانه‌ای می‌گردید، مرتفع ساخت. در اواخر سال ۱۹۸۷ میلادی، تعداد ۳۶ منطقه فرعی و منطقه‌ای با هدف کلی تشکیل گردیده است، که در معرض فعالیت‌های اقتصادی، البته با برخی محدودیت‌های قرار گرفته‌اند.
- در مجموع، وجود برخی از مشوق‌ها و محرک‌ها در مناطق ویژه اقتصادی ایالات متحده مانند:
 - هزینه‌های بیمه پائین‌تر، معافیت از مالیات‌های ایالتی و مالیات بر ارزش افزوده منطقه‌ای و ایجاد خدمات گمرکی باعث شد، این مناطق نسبت به سایر نواحی کشور، برای واردات و صادرات کالاها از موقعیت بهتری برخوردار باشند./.

پیمان تجارت آزاد : (نفتا) – NAFTA

بلوک‌های اقتصادی که در مناطق مختلف جهان با حضور چند کشور منطقه تشکیل می‌شود فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری سودمندی را در اختیار بخش خصوصی فعال در آن کشورها قرار می‌دهد تا بتوانند فعالیت‌های خود را در قلمرو کشورهای عضو گسترش دهند و از ترجیحات تجاری و آزادی سرمایه‌گذاری بهره‌برداری نمایند این امر در نهایت توسعه اقتصادی کشورهای یاد شده را به دنبال خواهد داشت. ضمن آنکه با بهره‌جویی از مزیت‌های نسبی موجود در کشورهای عضو به لحاظ وجود استعدادهای طبیعی شان و تقویت بنیه رقابت شرکت‌های فعال کمک بسزایی دارد.

رفع موانع تجاری و سرمایه‌گذاری، کاهش تعرفه‌های تجاری در مدت معینی مورد توافق و گسترش همکاری‌های اقتصادی از مزیت‌های بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای است.

• ساختار :

پیمان تجارت آزاد میان دولت های آمریکای شمالی موسوم به " نفتا " در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی و بین سه کشور این منطقه یعنی ایالات متحده ، مکزیک و کانادا منعقد گردید.
این پیمان یکی از فعال ترین نهادهایی است که در سراسر جهان به دنبال گسترش مناطق آزاد تجاری است.

پیمان نفتا از لحاظ اقتصادی بالاترین سطح اقتصاد را در سراسر دنیا بر عهده دارد و در آن بزرگترین قطب اقتصادی دنیا ایالات متحده و یکی از کشورهای نسبتاً قدرتمند از لحاظ اقتصادی عضویت دارد یعنی کشور کانادا هرچند هم چنان عضو گروه کشورهای G^۸ است ولی اکثر کارشناسان معتقدند این کشور دیگر صلاحیت حضور در این کلوپ را از دست داده است.

آنچه دربارهی " پیمان نفتا " جالب تر از حضور ایالات متحده در آن است ، تنظیم نوعی عرضه و تقاضا است.
به عبارت دیگر در این پیمان علاوه بر ایالات متحده کشوری هم چون مکزیک نیز حضور دارد که بیشتر به عنوان مصرفکننده به شمار می‌رود.

برخلاف تصور موجود که عموماً نفتا را فقط پیمانی در مسیر حذف تعرفه‌های گمرکی می‌دانند، این نهاد یک قانون جامع برای یک نوع اقتصاد قاره‌ای به شمار می‌رود که در تلاش است متولد گردد. هر چند این پیمان در اواخر دهه ۱۹۹۰ متولد شد ولی عمده فعالیت آن از سال‌های ۱۹۹۴ به بعد شکل گرفت و به عبارت بهتر تلاش اصلی خود را از حدود دو سال پیش آغاز کرده است.
در این دو سال فعالیت‌های آن رنگ و بوی بهتری گرفته و به نظر می‌رسد، سمت و سوی جدید خود را نیز در همین دو سال یافته است.

• از لحاظ خصوصی پیمان نفتا ؛ یک پیمان جدید دارای ایرادهای اساسی است چنان که حتی می‌توان گفت نیازمند تغییرات بنیادین حقوقی است.

تاکنون نیز متون قانونی آن چند بار مورد تجدیدنظر قرار گرفته است و هر بار نیز این تغییرات موجب ایجاد درگیری‌های سیاسی شده است. قوانین موجود در پیمان به اندازه‌ای نئولیبرالی به شمار می‌روند که گویا قصد ندارند کوچکترین قواعد حمایتی در خود جای دهند.

در اینجا از قوانین بهداشت عمومی خبری هست و نه از امنیت و قواعد آموزشی.
برعکس دنیای صنعتی گذشته که اولین تلاش‌ها را در زمینه قواعد حمایتی از کارگران عرضه داشت ، نفتا هیچ حرکت قابل توجهی در این زمینه به عمل نیاورده است.

• حتی نفتا به اندازه اتحادیه اروپا در این مسیر تلاش کرده است.

• اتحادیه اروپا سعی دارد تا با ایجاد یک سری قواعد حمایتی اقتصاد کشورهای ضعیف را که بدان ملحق شده‌اند به سمتی سوق دهد تا توان ورود را به بازارهای آزاد اروپا داشته باشند ولی در اینجا خبری از چنین قواعدی به چشم نمی‌خورد. این پیمان تنها از یک پدیده حمایت می‌کند و آن، شرکت‌های تجاری هستند؛ این شرکت‌ها توسط نفتا در برابر دولت حمایت می‌شوند. همین مسأله نیز باعث می‌شود، حمایت از کارگران تحت تأثیر قرار گیرد.

توضیحی که هدفداران نفتا ارائه می‌دهند شنیدنی است. آنها مدعی‌اند پیمان به اندازه‌ای رفاه ایجاد خواهد کرد که از بین رفتن سایه‌های حفاظتی مشکلی به وجود نیاورد. آنها هر چند چالش‌های ایجاد شده زیست محیطی را قبول دارند، ولی معتقدند منابع ایجاد شده در اثر آن به مراتب بیشتر از چالش‌هایی است که ممکن است بروز نماید. ولی منتقدان نظرات مغایری دارند. آنها می‌گویند: نفتا، موجب از بین رفتن مشاغل شده است. هم چنین آنها فقر را از دیدگاه علل توسعه، نئولیبرالیسم توسط پیمان نفتا می‌دانند. این عده معتقدند دولت‌هایشان عموماً با پذیرش این پیمان خدمات مهلکی را بر پیکره اقتصاد و حقوق خود وارد کرده‌اند.

• ولی در این زمینه دو دیدگاه کلی وجود دارد:

اولین دیدگاه که مربوط به کارشناسان و اقتصاددانان است، امروزه و پس از گذشتن یک دهه از فعالیت نفتا اثرات آن را مفید ارزیابی می‌کنند. این عقیده مخصوص به کشور خاصی نیست؛ بلکه اکثر عالمان اقتصادی هر سه کشور چنین ایده‌ای دارند. در مقابل نظر عوام است، اکثریت مردن مخالف ادامه چنین روندی هستند. برای مثال، کنگره آمریکا عموماً با چنین رویه‌ای مخالف است. البته موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) در مرحله اول حاصل موافقتنامه تجارت آزاد را نیز در بر می‌گرفت و در اکتبر ۱۹۹۲ پایان یافت و همان سال مورد موافقت قرار گرفت و در دسامبر همان سال امضاء شد.

• موافقت نامه ها :

۱- موافقت نامه اصلی :

طبق موافقت نامه نفتا تمام محدودیت های تجارت و سرمایه گذاری میان کانادا ، مکزیک و آمریکا در مدت ۱۵ سال به تدریج از بین می رود. اکثر تعرفه های تجارت محصولات کشاورزی میان آمریکا و مکزیک به سرعت برداشته شد و تعرفه ۶ درصدی محصولات کشاورزی (شامل ذرت ، شکر و برخی میوه ها و سبزی ها) در مدت ۱۵ سال برداشته خواهد شد. تعرفه خوار و بار و منسوجات قرار است در مدت ۱۰ سال در هر سه کشور حذف شود.

مکزیک قرار است بخش مالی خود را روی سرمایه گذاری آمریکا و کانادا بگشاید و تمام محدودیت ها تا سال ۲۰۰۷ برداشته خواهد شد. تاکنون موانع سرمایه گذاری در اکثر بخشها برداشته شده است به استثنای نفت در مکزیک ، فرهنگ در کانادا و خطوط هوایی و ارتباطات رادیویی در آمریکا قرار شد مکزیک روش توزیع از مسیر دولتی را آزاد سازی کند و روش های ترجیحی برای شرکت های داخلی را در مدت ۱۰ سال بردارد.

در بخش حمل و نقل وسایل نقلیه سنگین آزادی کامل حرکت بین سه کشور تا سال ۲۰۰۰ برقرار شد. به عنوان یک اقدام داخلی ، شرکت های حمل و نقل می بایست درخواست مجوزهای ویژه ای برای سفر در مرزهای هرکشور بیش از حد جاری ۲۰ مایل (۳۲ کیلومتر) را می کردند که این امر در دسامبر ۱۹۹۵ کمی قبل از زمان برنامه ریزی شده برای اجرای طرح به تعویق افتاد و علت تعویق نگرانی های از سوی دولت آمریکا در خصوص اجرایی استانداردهای کافی ایمنی از سوی رانندگان مکزیک بود.

در ضمن پذیرفته شد که در صورت ورود ناگهانی کالا از یک کشور به کشور دیگر که بر صنعت داخلی آن تاثیر نامطلوبی بگذارد ، کشور زیان دیده ماده تحمیل تعرفه های کوتاه مدت مرجوعی را در کوتاه مدت اجرا کند.

- اختلاف ها در اولین مرحله از سوی مشاوره بین دولت ها حل خواهد شد اگر در این بین اختلافاتی در ملت سی یا چهل روز حل نشد ، دولت ممکن است درخواست برگزاری نشست کمیسیون تجارت آزاد را بکند و کمیسیون در اکتبر ۱۹۹۴ یک کمیسیون صلاحیت دار به نام **اختلاف تجاری خصوصی** را برای توصیه روش های حل چنین اختلاف هایی ایجاد کرد و اگر کمیسیون قادر به حل اختلاف نبود ، گروهی از کارشناسان موضوع مربوطه برای قضاوت انتخاب شده و اقدام می نمایند .
 - اعضای نفتا در دسامبر ۱۹۹۴ یک دعوتنامه رسمی برای شیلی فرستادند و از این کشور درخواست عضویت در این موافقت نامه را کردند. مذاکرات رسمی در خصوص ورود شیلی در ژوئن ۱۹۹۵ آغاز شد ، اما در دسامبر متوقف شد ، زیرا کنگره آمریکا انجام مذاکرات را تصویب نکرد .
 - در آوریل ۱۹۹۸ ، روسای ۳۴ کشور در ساتتیاگو با یکدیگر ملاقات و به طور رسمی توافق کردند که روند مذاکرات را برای ایجاد منطقه آزاد تجاری آمریکا (FTAA) برقرار کنند دولت آمریکا با گسترش تدریجی مواد تجاری نفتا برپایه دو جانبه ، پیشنهاد اولیه ایجاد (نفتا) را مطرح کرد.
- ۲- موافقتنامه های الحاقی :**
- در طول سال ۱۹۹۳ ، در پی فشار داخلی ، دولت جدید آمریکا درباره دو موافقتنامه جانبی با شرکایش در نفتا مذاکره کرد که قرار بود امنیت حقوق کارگران و محیط زیست را تامین کند (کمیسیون همکاری کار) براساس موافقت نامه همکاری کار آمریکای شمالی (NAAIC) برای نظارت بر اجرای قوانین کار و برقراری همکاری در این خصوص ، ایجاد شد.
 - کمیسیون همکاری زیست محیطی برای مبارزه با آلودگی و تضمین این که توسعه اقتصادی به محیط زیست نمی رساند و نظارت بر رعایت قوانین زیست محیطی در سطوح نفتا و ملی ایجاد شد و گروه های کارشناسی یا مشارکت نمایندگان هرکشور تشکیل شد تا در صورت نقض بی دلیل حقوق کارگران با آسیب های زیست محیطی قضاوت امور را به عهده گیرند.

- در سال ۱۹۹۵ صندوق همکاری زیست محیطی آمریکای (NAFEC) تشکیل شد این صندوق که تامین مالی آن از سوی کمیسیون همکاری زیست محیطی انجام می شود ، از طرح های زیست محیطی جامعه حمایت می کند.
- در اکتبر ۱۹۹۷ شورای وزیرای محیط زیست نفتا در موترال کانادا موافقت کردند و ساختار جدید برای فعالیت های کمیسیون همکاری زیست محیطی را تصویب کردند هدف اصلی کمیسیون همکاری محیط زیست تهیه توصیه های مربوط به تاثیر زیست محیطی موضوع های تجاری بود .
- تاسیس بانک توسعه آمریکای شمالی در فوریه ۱۹۹۹ با سهم مساوی دو کشور امریکا – مکزیک و سرمایه سه میلیارد دلار تصویب شد و دو کشور هرکدام با پرداخت سهم اولیه به میزان ۵۵۰ میلیون دلار موافقت کردند.
با توجه به موافقتنامه های الحاقی به (نفتا) سه نهاد (کمیسیون همکاری زیست محیطی) (در سال ۱۹۹۴ در کبک کانادا) ، (کمیسیون همکاری کار) و (بانک توسعه آمریکای شمالی) (NAD BANK) یا (NADB BANK) تاسیس شده اند که هر یک از آنها یک گزارش سالانه از فعالیت های خود را منتشر می کنند.

بررسی عملکرد :

پس از گذشت چند سال از امضای پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) هنوز اجماع مشخصی بدست نیامده است که آیا این قرارداد برای گسترش و توسعه روابط میان سه کشور آمریکای شمالی (کانادا ، امریکا ، مکزیک) مفید بوده یا خیر؟

- تا اول ژانویه ۱۹۹۹ نفتا پنجمین سال خود را پشت سر گذاشت در طی این مدت مجموع تجارت خارجی مکزیک تقریباً دو برابر شده که تاثیرات این پیمان در این امر بسیار محسوس بوده است.
- پس از گذشت ۵ سال از امضای نفتا ، رشد تجاری میان کشورهای عضو محسوس بوده است ، صادرات مکزیک از ۵۲ میلیارد در سال ۱۹۹۳ به ۶۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ ، ۱۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ و ۱۱۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ رسید ، بیش از دو برابر رشد صادرات مکزیک و واردات این کشور با آهنگ رشد کمتر از ۶۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳ به ۷۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ ، ۱۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ و ۱۲۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ افزایش یافت از این میزان صادرات ۸۰ درصد صادرات به آمریکا بوده است.
- در سال ۱۹۹۷ مجموع مبادلات تجاری آمریکا به مکزیک معادل ۱۵۸ میلیارد دلار بود که ۲۱ درصد بیش از میزان سال ۱۹۹۶ بود و ۲ برابر میزان سال ۱۹۹۳ (یکسال قبل از اجرای نفتا بود) تجارت آمریکا با مکزیک به طور متوسط در دوره زمانی ۹۷-۱۹۹۴ معادل ۱۸ درصد افزایش یافته است.
- در سال ۱۹۹۷ صادرات آمریکا به مکزیک به ۷۱ میلیارد دلار رسید (۷/۲۵ درصد بیشتر از سال ۱۹۹۶ و واردات این کشور از مکزیک با چیزی در حدود ۶/۱۷ درصد رشد به ۸۷ میلیارد دلار رسید.)
- موازنه تجاری میان آمریکا و مکزیک قبل و بعد از امضای پیمان نفتا متفاوت بوده است. آمریکا در سالهای ۹۳-۱۹۹۰ در مبادلات بازرگانی با مکزیک روند رو به رشد داشته است در سال ۱۹۹۷ به رغم افزایش محسوس صادرات به مکزیک از یک سری تجاری ۱۵ میلیارد دلار با این کشور برخوردار بوده است ، در طی سالهای ۹۳-۱۹۹۰ صادرات آمریکا به مکزیک ۷/۴۶ درصد افزایش یافته در حالیکه واردات از این کشور ۳/۳۲ درصد رشد داشته است ، پس از اجرای نفتا در سال ۹۷-۱۹۹۴ صادرات آمریکا به مکزیک ۴/۴۰ درصد افزایش یافته است در حالیکه واردات از این کشور ۱/۷۳ درصد رشد داشته است.
- میزان مبادلات تجاری کانادا با مکزیک نیز قبل و بعد از نفتا در سطوح قابل توجهی افزایش یافته است. مجموع مبادلات تجاری دو جانبه (کانادا- مکزیک) از ۶۱۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۰ به دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۳ رسید (رشد معادل ۸/۳۳ درصد) متوسط رشد تجارت دو جانبه در طی ۴ سال ۹۳-۱۹۹۰ معادل ۷/۵۹ درصد بود. بین سالهای ۹۷-۱۹۹۴ میزان مبادلات تجاری دو کشور از ۳ میلیارد دلار به ۴ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار رسید (۳/۳۴ درصد افزایش و رشد متوسط سالیانه در طی این ۴ سال ۷/۱۲ درصد بوده است)

- در سال ۱۹۹۰ کانادا مازاد تجاری مثبت با مکزیک داشت و از آن زمان تا کنون هر سال یکی از دو کشور مازاد تجاری داشته اند.
- در سال ۱۹۹۷ مکزیک با صادرات ۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلاری به کانادا و واردات ۱ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلاری از این کشور از موازنه تجاری مثبت برخوردار بوده است.
- وزیر بازرگانی مکزیک اذعان نمود برخی از مزایای پیمان نفتا باعث افزایش سرمایه گذاری ، اشتغال بیشتر و رشد اقتصادی بالا برای کشور شده است.
در خصوص سرمایه گذاری خارجی باید اعتراف کرد که از آغاز اجرای نفتا در سال ۱۹۹۴ ، مکزیک به طور متوسط سالیانه ۱۱ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی را جذب نموده است.
- در طی ۴ سال اول اجرای نفتا ، سرمایه گذاری مستقیم خارجی در مکزیک از ۴ میلیارد دلار به ۱۱ میلیارد دلار در سال رسید.
به هر حال دو نتیجه مثبت بدست آمده در ظرف ۵ سال از اجرای قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) یعنی تراز مثبت تجاری با آمریکا و جذب میلیاردها دلار سرمایه گذاری خارجی مورد تردید محققان قرار گرفته است.
- همچنین وزیر بازرگانی آمریکا اذعان کرده است که قرارداد تجارت آزاد در طی ۵ سال اولیه حیات خود یک موفقیت بزرگ محسوب می شود و توصیه کرد که آن را به عنوان الگویی برای گسترش بازرگانی مورد استفاده قرار دهند.
- وی اضافه نمود که با این قرارداد تجارت میان مکزیک و آمریکا سالیانه افزایش چشمگیری داشته و در بین سالهای ۹۷-۱۹۹۳ تجارت میان کشورهای امضا کننده قرارداد ۶۳ درصد افزایش داشته و در حال حاضر ۳۲ درصد کل صادرات آمریکا را تشکیل می دهد.
- سفیر آمریکا در مکزیک نیز اظهار نظر نمود که یکی از بهترین دستاوردهای همکاری دو جانبه میان مکزیک و آمریکا امضای قرارداد تجارت آزاد است که مهمترین قرارداد تجاری دهه اخیر بوده و باعث ایجاد ۵/۱ میلیون شغل شده است.

- براساس مطالعات پس از امضا و اجرای نفتا در ژانویه ۱۹۹۴ در آمریکا ۶۸۰ هزار شغل جدید ایجاد شده است که این رقم بسیار بیشتر از ۲۰۰ هزار شغل ازدست رفته می باشد.
- براساس آمار وزارت بازرگانی آمریکا نیمی از ۶۸۰ هزار شغل ایجاد شده مربوط به نفتا در بخش تولیدی بوده است و بیشترین مشاغل از دست رفته در صنایع الکترونیک و منسوجات به میزان ۷۸ هزار شغل (یعنی ۴۰ درصد مشاغل از دست رفته) بوده است.
- بیشتر موفقیت نفتا ناشی از کاهش تعرفه های گمرکی بر روی حجم وسیعی از کالاها و خدمات بوده است .
- آمریکا در حال حاضر از نفت ارزان صادراتی مکزیک سود برده ، وضعیتی که به عقیده بسیاری برای سالیان متمادی ادامه خواهد یافت و این برای سیاست آمریکا یک موفقیت محسوب می شود. برای مکزیک نیز نفتا بسیار حائز اهمیت بوده است ، این پیمان باعث شد تا کسری تجاری این کشور (به دلیل سقوط ارزش پزو در سال ۹۴) تا میزان زیادی جبران گردیده و این مساله باعث افزایش صادرات و کاهش واردات مکزیک شد .
- پیش بینی می شود که آسیا تلاش مضاعفی را برای صادرات بیشتر به بازار آمریکا به خاطر بحران اقتصادی سال ۹۸ به عنوان راهبرد منطقه ای برای خروج از رکود و بحران انجام دهد. آسیا در حال حاضر تقریباً چهل درصد واردات آمریکا را تامین می کند بسیاری از مقامات مکزیکی نگران آن هستند که هر افزایش سهم برای آسیا در بازار آمریکا به ضرر صادرکنندگان مکزیکی خواهد بود. یکی از دلایل این نگرانی مقایسه نیروی کار ارزان در کشورهای تایلند ، کره جنوبی و اندونزی می باشد.
- به رغم نقاط ضعف و قوت پیمان نفتا و مواضع مثبت و منفی که از هر دو سر متوجه این پیمان می شود به نظر برخی از تحلیلگران نفتا بیش از آنچه انتظار می رفت ، موثر بوده است. نفتا نه تنها باعث افزایش تجارت میان کشورهای عضو شده بلکه تجارت را با کشورهای ثالث نیز رونق داده است.

- دموکرات‌ها به اندازه جمهوری‌خواهان از بازارهای باز حمایت می‌کنند. این مسأله مخصوص کلیتون یا کارتر نیست، بلکه یک سنت عمومی بین آنهاست. همواره در تاریخ؛ جمهوری‌خواهان به بازاری‌های آزاد علاقه‌ی بیشتری نشان داده‌اند و رونق نفتا در یکی دو سال پایانی دور اول حکومت بوش نیز نشان از همین مسأله دارد.

عموم کشورهای که در نفتا عضو هستند و یا قصد دارند به آن بپیوندند از همین مسأله واهمه دارند. تأثیر آمریکا همانند تمامی عرصه‌های جهانی در نفتا انکارناپذیر است. از این رو همراهی ایالات متحده برگ برنده سیاست‌های این پیمان است.
- چنانکه گذشت، تاریخ نفتا با تحولات و موضع‌گیری‌های مثبت و منفی در ایالات متحده همراه بوده است و از زمان اجرای آن، یعنی ژانویه ۱۹۹۴ تا به امروز همین مسأله بوده و خواهد بود. شروع نفتا علاوه بر ایالات متحده در کانادا و مکزیک نیز با جاروجنجال همراه بوده است.

هر چند این کشمکش‌ها هم چنان ادامه دارد ولی آغاز طوفانی پیمان در این سه کشور نوید دورانی پرتلاطم را می‌داد. اگرچه نفتا از همان آغاز، بیشترین تأثیر را برای مکزیک نوید می‌داد ولی بیشترین اعتراضات نیز در همان کشور، در مقابله با نفتا به عمل می‌آمد.

پیمان نیز در این مدت تأثیرات چند لایه‌ای بر اقتصاد و سیاست مکزیک گذارده است. بسیاری از مکزیک‌ها چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم از نفتا آسیب دیده‌اند.

برای مثال در آغاز فعالیت‌های پیمان تاکنون، نزدیک به نیم میلیون شغل از بین رفته است. تأثیرات غیرمستقیم پیمان در مکزیک نیز شایان ذکر است. حدود ۵/۲ میلیون کشاورز مکزیک، به خاطر آنکه توان رقابت با کالاهای آمریکایی را نداشتند، در بازار آزاد در نفتا کم آورده‌اند و بیکار شده‌اند. البته عده‌ای نیز معتقدند مشاغل جدیدی نیز در مکزیک ایجاد شده‌اند که جلوی این افت را خواهد گرفت.

- سرمایه‌گذاران کانادایی و علی‌الخصوص آمریکایی از آنجا که به نیروی کار ارزان قیمت و مهم‌تر از آن کم توقع مکزیک دست یافته‌اند با تزریق سرمایه‌های خود به مکزیک مشاغل فراوانی ایجاد کرده‌اند و از این طریق بسیاری از این کمبودها مرتفع گردیده است. ولی این همه ماجرا نیست.
- بدون شک مهم‌ترین تأثیرات پیمان بر مکزیک بوده است. هر چند تعریف مشاغل در این کشور دستخوش تغییرات عمده‌ای بوده است ولی، این تنها تعریف مشاغل نبوده است که با تغییر همراه بوده است. نفتا در این دوران موفق شده است تا شیوه زندگی به سبک مکزیک را نیز متحول نماید. شیوه جدید که جایگزین شیوه مکزیک شده به مراتب رفاه‌طلبانه‌تر و در یک کلام شیوه‌ای آمریکایی است.
- خلاصه می‌توان در دیدی کلی اذعان داشت که نفتا وضع توزیع درآمد در هر سه کشور را با بحران مواجه ساخته و عدم توجه به قواعد حمایتی روز به روز وضعیت را بغرنج‌تر می‌سازد. از شروع این پیمان نیز به سبب درست حمایت نشدن آن و ایجاد توقعات نابجا باعث شده است تا انتظارات عمومی از یک طرف بالاتر رفته و از سوی دیگر از حمایت آن کاسته شود. همگی این‌ها در حالی است که ایده‌های نفتا هر روز نوع‌تر می‌شود و برای اجرای آنها قالب‌شکنی‌های جدیدی نیز در راه است.
- اگرچه عده‌ای معتقدند پیمان نتوانسته است که حتی تمام موانع تجاری را رفع کند ولی در عوض عده‌ای نیز معتقدند که سطح کلی اقتصاد کشورهای عضو در این ۱۰ ساله بهتر شده است. در اینجا یک سؤال اساسی مطرح است، آیا با همه این احوال پیمان نفتا برای کشورهای عضو مؤثر افتاده است؟ اگر بخواهیم با دیدگاه پلورالیستی نگاه کنیم باید جوابی قاطع به این سؤال ندهیم. پاسخ این سؤال مطمئناً به راحتی و در یک کلام داده نخواهد شد.
- عده‌ای از آمریکایی‌ها چنانچه گذشت کاهش کمی مشاغل را بهانه می‌کنند و معتقدند، این مسأله نشانه‌ای از ضعف در عملکرد نفتاست ولی در مقابل پاسخ طرفداران اشاره به تغییر الگوی اشتغال است. آنها معتقدند ایجاد مشاغل با تعریف جدید از شغل جبران مافات کرده است.

- کانادایی‌ها نیز از نفتا منتفع شده‌اند.

به خصوص دسترسی به بازار مکزیک و آمریکا از یک سو و دسترسی به کارگران ارزان قیمت مکزیکی از سوی دیگر نتایجی است که کانادایی‌ها به طور مستقیم آن را مشاهده کرده‌اند. ولی بیشک هر چند آمریکایی‌ها و کانادایی‌ها به خوبی از نفتا سود برده‌اند ولی سود بیشتر از آن مکزیک بوده است.

- آنچه گذشت وضعیت کل نفتا بود. در بین سازمان‌های منطقه‌ای این پیمان وضعیت به خصوصی دارد. هر چند تنها سه کشور در آن عضویت دارند ولی نفتا هم از لحاظ اقتصادی از اروپا جلوتر است. از سوی دیگر هر چند عضوگیری‌های جدید، اروپا را با مشکلات جدیدی برای رقابت با نفتا مواجه می‌سازد، ولی در مقابل هر چند نفتا در عضوگیری موفق عمل نماید، به همان اندازه فاصله خود را با اروپایی‌ها بیشتر خواهد ساخت.

- **توسعه نفتا :**

اکنون فرصت‌های تجاری – سرمایه‌گذاری ارزشمندی را برای فعالان اقتصادی این منطقه فراهم ساخت و به رشد اقتصادی سریع‌تر هر سه کشور در سال‌های گذشته و ایجاد فرصت‌های اشتغال مناسب در این منطقه کمک بسزایی داشت. اولین گام را شیلی برداشته که با آمریکا مذاکراتی را در خصوص عقد یک پیمان تجاری آغاز کرده است که می‌تواند در نهایت صحنه را برای انعقاد یک توافقنامه که در برگیرنده تمامی کشورهای نیمکره باشد آماده کند.

- مانعی که بر سر راه توسعه نفتا در رابطه با این کشورها وجود دارد آن است که آرژانتین و اروگوئه به همراه برزیل و پاراگوئه به بازار مشترک جنوبی مرکوسور که یک اتحادیه گمرکی است تعلق دارند. البته کشورهای آمریکای جنوبی و مرکزی در صدد یک توافقنامه تجاری هستند ولی رهبران سیاسی این کشورها نگرانند که آیا جو سیاسی در آمریکا به شکلی است که در این برهه از زمان دست به عقد چنین توافقنامه‌ای بزنند یا خیر؟

• موفقیت قابل توجه اقتصادی و سیاسی نفتا ؛ قوی ترین علت بحث برای تجارت آزاد در سراسر نیمکره غربی است. شیلی ، آرژانتین و اروگوئه با وجود مشکلات اقتصادی کنونی به دلیل برخورداری از دولت های مردم سالار و انجام اصلاحات اقتصادی ، سه نامزد اصلی هستند که استحقاق امضای توافقنامه تجارت آزاد با کشورهای آمریکای شمالی را دارند.

• چالش ها :

- موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی نفتا عملاً مرده است و کانادا برخلاف تمام دلتنگی های تجارت آزادش در طول سالها نفتا را زیرپا گذاشت بلکه واشنگتن باعث نابودی نفتا شد. مرگ نفتا زمانی تایید شد که واشنگتن برای باردوم ورود چوب کانادا را به منطقه آزاد در آمریکا رد کرد و قبول این مسئله برای دولت فدرال کانادا دشوار است ، لیبرال های حاکم که زمانی از قراردادهای تجارت آزاد با آمریکا حمایت می کردند حال به این قراردادها ناسزا می گویند. آمریکا از قوانین نفتا تبعیت نمی کند زیرا آمریکا اساساً هرگز تمایلی به این کار نداشت و قدمی در جهت ترقی آن برداشت.
- آمریکا زمانی مایل است که از قوانینی تجاری تبعیت کند که این قوانینی در جهت منافع او هستند یا حداقل مصالح کلیدی او را برآورند ، اما آمریکا اصرار دارد که چنین قوانینی خواه نفتا یا قوانین سازمان تجارت جهانی یا قرارداد عمومی تعرفه و تجارت ، بایستی برای صنایع سهم آمریکا استثناهایی را فراهم آورند و وقتی تصور شود که قوانین موجود به نفع آمریکا نیست نادیده گرفته می شوند یا درخواست برای تعویض آنها ارائه می شود. مشکل اساسی این است که آمریکا زمانی به قراردادهایی وارد می شود که خودش آنها را انتخاب کرده باشد و آمریکا همیشه تفسیر خودش را از قانون دارد ، البته آمریکا با ایجاد صنایع و گسترش آن در مکزیک باعث نابودی کشاورزی مکزیک شد و این امر باعث افزایش شهرنشینی و بدنبال آن میزان بیکاری را افزایش داده است. اجلاس سران ۳۴ کشور های قاره آمریکا ، که در روزهای ۱۳ تا ۱۵ آبانماه، در آرژانتین برگزار شد، به طرح ایالات متحده برای گسترش پیمان نفتا (بین آمریکا ، کانادا و مکزیک) به سراسر این قاره رای منفی داد.

- طرح حساب شده ایالات متحده برای کسب حمایت اجلاس کشورهای قاره آمریکا به منظور گسترش موافقتنامه تجارت آزاد به سراسر این قاره، با مخالفت پنج کشور آمریکای جنوبی به پرچم داری هوگو چاوز، رئیس جمهوری ونزوئلا، با شکست روبرو شد. این طرح با مخالفت هزاران تظاهر کننده و هم چنین هیئت های رسمی نمایندگی کشورهای برزیل، آرژانتین، اوروگوئه، پاراگوئه و ونزوئلا، که همگی اعضای تشکیل دهنده گروه تجاری «مرکوسور» (بازار مشترک جنوب) هستند، روبرو گردید.

- **نتیجه گیری :**

قبل از تاسیس " نفتا " ؛ به اندازه دربارہ آن تبلیغ شد که همه فکر می کردند ایجاد آن معجزه ای خواهد بود. معجزه ای که تمام مشکلات سه کشور عضو را حل و فصل و دورانی تازه را در روابط آنها و حتی روابط بین المللی پدید خواهد آورد. آنها اعتقاد داشتند با همین اقدام می توانند کلیه سازمان های همکاری منطقه ای را تحت تاثیر قرار دهند. البته این پیمان همیشه تحت تاثیر مسائل آمریکا بوده و هرگاه جو سیاسی ایالات متحده ملتهب بوده است این پیمان حالت نزولی داشته و به عنوان مثال در دوره حول و حوش یازده سپتامبر حتی مدتی فعالیت های پیمان به طور تعلیق در آمده بود حتی کوچکترین مسائل سیاسی در ایالات متحده نیز بر پیمان تاثیر گذاشته و آن را دستخوش تحولاتی می کند.

- هدف آمریکا از ایجاد پیمان نفتا به خاطر از دست دادن بعضی از بازارهای خود در اروپا ، ژاپن و آسیای شرقی می باشد و دیگر با ایجاد این پیمان در مقابل قدرت های اقتصادی و سیاسی دیگر مناطق ایستادگی کند. با بدست گرفتن نبض اقتصادی منطقه از نفوذ آنان به مناطق آمریکای شمالی ، مرکزی و جنوبی جلوگیری کند ولی هرروز که از این پیمان می گذرد ، کانادا و مکزیک بیشتر به یک جانبه گرایی و منفعت طلبی آمریکا از این پیمان پی می برند و از طرفی آمریکا آنطور که بخواهد موافقت نامه را اجرا می کند و این مسائل باعث می شود که " نفتا " جایگاه خود را از دست بدهد و حتی بعضی از کارشناسان اعتقاد دارند که اگر آمریکا این روند را ادامه دهد پیمان گمرکی به بوتہ فراموشی سپرده می شود. /.

اتحادیه تجارت آزاد اروپا (افتا)
European Free Trade Association (EFTA)

مقدمه:

نهادهای بین المللی اقتصادی - بازرگانی ، تشکل های بزرگ و قدرتمندی هستند که با مشارکت کشورهای عضو تلاش دارند با اتخاذ راهبردهای واحد ، اهداف خود را دنبال کنند و تسهیلات فزاینده تجاری برای خود ایجاد نمایند. به گونه ای که دسترسی به بازارهای یکدیگر را آسان و توان رقابت بلوک تجاری خود را با دیگر کشورها (غیر اعضا) قوت بخشند.

- یکی از این نهادهای بین المللی تجاری مهم جهان ، اتحادیه تجارت آزاد اروپا (اف تا) می باشد که در حال حاضر چهار کشور عضو آن هستند . اما این اتحادیه از طریق منطقه اقتصادی اروپا (EEA) رابطه وسیعی با کشورهای عضو اتحادیه اروپا دارد. در همین حال ارتباط اتحادیه با کشورهای شرق اروپا نیز در دهه ۱۹۹۰ به ویژه پس از فروپاشی شوروی سابق به طور همه جانبه گسترش یافت .

• اعضای اتحادیه تجارت آزاد اروپا :

این اتحادیه در سال ۱۹۶۰ با هدف برقراری تجارت آزاد کالاهای صنعتی و کمک به آزاد سازی و گسترش تجارت جهانی تشکیل شد . « اف تا » اکنون به عنوان یک تشکیلات عمل می کند که از طریق اعضای اصلی (ایسلند ، نروژ ، سوئیس و لیختن اشتاین) به همراه ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا در منطقه اقتصادی اروپا مشارکت دارند.

- سه عضو مؤسس یعنی دانمارک و انگلیس در سال ۱۹۷۳ ، پرتغال در سال ۱۹۸۶ «افتا» را ترک کردند و به جامعه اروپا (EC) پیوستند . فنلاند که یک عضو پیوسته «افتا» بود ، در اول ژانویه ۱۹۸۶ عضو دائمی آن شد . لیختن اشتاین در سپتامبر ۱۹۹۱ به عنوان عضو دائم به «افتا» پیوست و پیش از این از طریق اتحادیه گمرکی اش با سوئیس، موقعیت عضو پیوسته را داشت .

اتریش و سوئد (دو عضو دیگر مؤسس) و فنلاند ، اتحادیه را در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ ترک کردند و به عضویت اتحادیه اروپا (بعد از سازماندهی مجدد این اتحادیه) در آمدند.

• شورای «افتا» :

شورای «افتا» هیأت حاکمه اتحادیه تجارت آزاد اروپا بوده و ریاست آن هر شش ماه به نوبت به عهده یکی از کشورهای عضو است . تصمیمات شورا از سوی کشورهای عضو ، اتخاذ می شود و باید به اتفاق آراء باشد . کمیته های زیربنایی و گروه های کاری به شورا کمک می کند.

• کمیته های دائمی «افتا» :

- هیأت حسابداران
- کمیته بودجه
- کمیته اعضای پارلمان کشورهای «افتا»
- کمیته کارشناسان گمرکی و اصلی
- کمیته موانع فنی تجارت

- کمیته روابط با کشور ثالث
- کمیته کارشناسان تجاری
- کمیته مشورتی
- کمیته اقتصادی
- کمیته رهبری صندوق

موضوعات مربوط به منطقه اقتصادی اروپا EEA :

- پیمان تشکیل دهنده منطقه اقتصادی اروپا (EEA) که در سال ۱۹۹۴ اجرا شد ، یک ساختار حقوقی برای افزایش فعالیت هایش را تدارک دید. شورای EEA شامل وزرای تمام کشورهای امضاء کننده این پیمان جهت سیاسی را تعیین می کند . در حالی که یک کمیته مشترک ، متشکل از نمایندگان کشورهای عضو « افتا » در EEA ، کمیسیون اروپایی و کشورهای عضو اتحادیه اروپا ، مسئول مدیریت روز به روز موضوع های مربوط به EEA است . یک کمیته دائمی به عنوان محل مشورت در « افتا » عمل می کند و متشکل از نمایندگان از ایسلند ، لیختن اشتاین ، نروژ و ناظرانی از سوئیس است . پنج کمیته فرعی وتعدادی گروه های کاری آن را کمک می کنند . یک مرجع نظارتی مستقل « افتا » و یک دادگاه « افتا » برای نظارت قضایی نیز تشکیل شده است .

• دبیرخانه « افتا » :

دبیرخانه « افتا » در بروکسل مستقر می باشد و دبیر کل بر امور آن نظارت دارد.

• فعالیت های « افتا » :

زمانی که « افتا » در سال ۱۹۶۰ تأسیس شد ، ایجاد یک بازار واحد مشتمل بر تمام کشورهای اروپای غربی هدف نهایی آن بود . گرچه کشورهای عضو ، آماده یا قادر نبودند که مفاهیم اقتصادی و سیاسی آینده پیوستن به کمیسیون اروپایی که در سال ۱۹۵۸ ایجاد شد را قبول کنند.

اولین هدف « افتا » ایجاد تجارت آزاد کالاهای صنعتی بین اعضاء ، در پارلمان سال ۱۹۶۶ حاصل شد . تا سال ۱۹۹۱ تعرفه یا حقوق گمرکی واردات در مورد تمام کالاها به استثنای محصولات کشاورزی برداشته شد.

• کشورهای عضو « افتا » در سال ۱۹۷۲ موافقتنامه های دوجانبه با کمیسیون اروپا امضاء کردند که تجارت آزاد اغلب کالاهای صنعتی بین آنها را از اول ژوئیه ۱۹۷۷ ایجاد کرد . آخرین محدودیت تجارت آزاد محصولات صنعتی ، از اول ژانویه ۱۹۸۴ رفع شد . در آوریل همان سال ، وزرای کشورهای عضو « افتا » و کمیسیون اروپا ، با خط مشی کلی توسعه روابط « افتا » - کمیسیون اروپا موافقت کردند . اعلامیه آنها (معروف به اعلامیه لوکزامبورگ) تلاش های گسترده ای را برای بهبود جریان آزاد تجارت محصولات صنعتی میان کشورهای عضو و همکاری نزدیک تر خارج از چارچوب موافقتنامه های تجارت آزاد در زمینه هایی مانند آموزش ، محیط زیست ، سیاست اجتماعی ، تحقیقات و توسعه را توصیه کرد.

رؤسای دولت کشورهای عضو « افتا » در ماه مارس ۱۹۸۹ اعلامیه ای برای تأیید مجدد تعهدشان به ایجاد یک منطقه اقتصادی اروپایی شامل تمام کشورهای عضو « افتا » و کمیسیون اروپا منتشر کردند.

مذاکرات رسمی در خصوص تشکیل منطقه اقتصادی اروپا در ژوئن ۱۹۹۰ آغاز شد و موافقتنامه در اوپورتوی پرتغال در ماه مه ۱۹۹۲ امضاء شد.

• در دسامبر همان سال یک همه پرسی در این زمینه در سوئیس برگزار شد که به مخالفت با تصویب پیمان منطقه اقتصادی اروپا رأی داد . وزرای تجارت ۱۸ کشور عضو باقی مانده (به استثنای سوئیس) در مارس ۱۹۹۳ یک پروتکل اصلاحی امضاء کردند که اجازه می داد منطقه اقتصادی اروپا در اول ژانویه ۱۹۹۴ به مرحله اجرا در آمد . لیختن اشتاین در اول ماه مه ۱۹۹۵ به منطقه اقتصادی اروپا پیوست و موافقتنامه اتحادیه گمرکی خود را اصلاح کرد و حمایت از اکثریت جمعیت خود را در یک همه پرسی ملی تضمین کرد.

- موافقتنامه منطقه اقتصادی اروپا (EEA) رفع تمام محدودیت ها در جابه جایی کالاها ، افراد ، خدمات و سرمایه در سراسر منطقه را فراهم کرد و به طور مؤثر بازار داخلی اتحادیه اروپا را به سه کشور عضو « افتا » در منطقه اقتصادی اروپا بسط داد .
- علاوه بر این ، موافقتنامه همکاری زمینه هایی مانند محیط زیست ، فرهنگ ، حمایت از مصرف کننده ، سیاست اجتماعی ، آموزش ، گردشگری و شرکت های کوچک و متوسط را در بر گرفت . برای حفظ یکنواختی و هماهنگی در منطقه اقتصادی اروپا ، این موافقتنامه به طور مستمر اصلاح شده و هدف این اصلاحات تضمین این امر بوده است که قانون مربوط به اتحادیه اروپا به گروه " افتا " بسط داده شود .
- اگرچه پرتقال ، پیمان تجارت آزاد اروپا را در سال ۱۹۸۵ ترک کرد، اما « افتا » تصمیم گرفت عضویت این کشور در صندوق توسعه صنعتی را لغو نکند .
- موافقتنامه های تجارت آزاد با ترکیه در دسامبر ۱۹۹۱ ، با چکسلواکی در مارس ۱۹۹۲ (با پروتکل های متوالی با جمهوری چک و اسلواکی در آوریل ۱۹۹۳) ، با اسرائیل در سپتامبر ۱۹۹۲ ، با لهستان و رومانی در دسامبر ۱۹۹۲ و با بلغارستان و مجارستان در مارس ۱۹۹۳ منعقد شد .
- « افتا » و اسلوونی در ژوئیه ۱۹۹۵ یک موافقتنامه تجاری شامل کالاهای صنعتی ، محصولات فرآوری شده کشاورزی و ماهی منعقد کردند .
- موافقتنامه های مشابهی با استونی ، لیتوانی و لتونی در دسامبر همان سال منعقد شد و با مراکش با یک مهلت ۱۲ ماهه برای رفع موانع گمرکی در ژوئن ۱۹۹۷ امضاء شد .
- مذاکرات رسمی در خصوص موافقتنامه تجارت آزاد بین « افتا » و کانادا در اکتبر ۱۹۹۸ آغاز شد . با تکمیل آن ، قرارداد اولین موافقتنامه تجاری ماورای آتلانتیک بین اروپا و آمریکای شمالی شکل گرفت .

سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO)
**United Nations Industrial
Development**

سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) توسط مجمع عمومی ملل متحد در تاریخ اول ژانویه ۱۹۶۷ به صورت سازمان مستقلی درون سازمان ملل متحد به منظور ترویج و تسریع صنعتی شدن کشورهای در حال رشد تأسیس گردید. مجمع عمومی همچنین نقش اساسی هماهنگ ساختن همه فعالیت های دستگاه های سازمان ملل را در زمینه توسعه صنعتی به یونیدو محول نمود. یونیدو جدیدترین سازمانی است که به خانواده ملل متحد اضافه گردیده و مقر خود را در شهر وین در کشور اتریش بر پا کرده است و این سازمان در برگیرنده ۱۶۶ کشور است.

تاریخچه تشکیل یونیدو:

- هنگامی که پس از جنگ جهانی دوم دستگاه سازمان ملل متحد بوجود آمد ، هیچگونه مقرراتی برای ایجاد سازمانی که به مشکلات صنعتی شدن پردازد ، وضع نگردید. تا اواخر دهه سالهای ۱۹۴۰ بسیاری از کشورهای در حال رشد به استقلال نایل نیامده بودند و مشکلات صنعتی شدن آنها در درجه اول اهمیت قرار نداشت . اما ۱۰ یا ۱۵ سال بعد کشورهای در حال رشد تجربه کافی در صنعت به دست آورده بودند تا درخواست آنها را دایر بر این که دستگاه سازمان ملل متحد به حمایت از کوششهای آنها در این زمینه گسترش یابد توجیه نماید.
- در اوایل دهه سالهای ۱۹۶۰ سازمان ملل متحد و همچنین کمیسیونهای اقتصادی منطقه ای آن در آفریقا ، آسیا ، اروپا و آمریکای لاتین در زمینه صنعتی شدن به فعالیت پرداخته بودند ، ولی فقدان یک کارگزاری اختصاصی برای امر صنعتی شدن ، سبب شده بود که تعدادی از کارگزاری های ملل متحد هر یک در زمینه صلاحیت خود به جنبه های مختلف این مسئله پردازند .
- همزمان با قوت گرفتن جنبش صنعتی شدن در کشورهای نو استقلال و سایر کشورهای در حال رشد ، این کشورها خواهان تأسیس یک کارگزاری اختصاصی برای صنعتی شدن گردیدند. اما بیشتر کشورهای توسعه یافته صنعتی ، مایل بودند که در عوض این کار ، فعالیت هایی که کارگزاری های مختلف ملل متحد قبلاً بر عهده گرفته بودند ، توسعه و گسترش یابد.

در سال ۱۹۶۵ ، مجمع عمومی سازمان ملل متحد به طور اصولی تصمیم به تأسیس سازمان توسعه صنعتی ملل متحد گرفت که به صورت سازمانی خود مختار در درون سازمان ملل متحد فقط به کار توسعه صنعتی بپردازد.

در نوامبر سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای دایر بر تأسیس سازمان یونیدو را تصویب نمود و سازمان جدید روز اول ژانویه سال بعد شروع به کار کرد.

- این سازمان پس از تصویب اساسنامه اش در سال ۱۹۷۹ به نهادی تخصصی تبدیل شد و در اول ژانویه سال ۱۹۸۶ پس از امضای اساسنامه اش کاملاً مستقل شد.

وظایف یونیدو :

- یونیدو در انجام وظایف اصلی خود یعنی ترویج توسعه صنایع و کمک به تسریع صنعتی شدن کشورهای در حال رشد ، دتووع فعالیت به عهده دارد:
- فعالیت هایی که متضمن کمک مستقیم به کشورهای در حال رشد است.
- فعالیت های مکمل مرتبط با آن که شامل تحقیق و مطالعات درباره اقدامات مورد نظر است.

فعالیت های اجرایی یونیدو:

- یونیدو می تواند خدمات وسیع و گوناگونی در اختیار کشورهای در حال رشد بگذارد و می تواند در موارد زیر به آنها کمک کند :
- تأسیس ، بهره برداری و مدیریت سازمان های صنعتی به منظور ترویج سرمایه گذاری داخلی و جلب سرمایه خارجی برای طرح های صنعتی بخصوص.

- ایجاد سازمان های ملی مؤثر برای انجام خدمات صنعتی.
 - آماده کردن برنامه های عمرانی صنعتی و طرح های مشخص.
 - تربیت حرفه ای کارمندان مورد لزوم.
 - حل مشکلات مربوط به بهره برداری و استفاده از منابع طبیعی ، مواد خام صنعتی و فرآورده های فرعی آن.
 - اشاعه اطلاعات درباره تکنولوژی جدید و کمک به کشورهای در حال رشد در به کار بستن مؤثر این اطلاعات .
 - ترویج اقدامات ملی ، منطقه ای و بین المللی برای پیشرفت سریع تر در زمینه توسعه صنعتی .
- یونیدو به عنوان کارگزاری کمک کننده به « برنامه عمران ملل متحد » طرح های « صندوق ویژه » سازمان ملل متحد را که « برنامه عمران ملل متحد » به آن واگذار نماید ، انجام می دهد. یونیدو طبق این طرح های دراز مدت که مربوط به مرحله قبل از سرمایه گذاری هستند ، بنا به تقاضای دولت های عضو در انجام مطالعه قابلیت اجرای طرح ها و تشخیص امکانات سرمایه گذاری ، ایجاد مؤسسه تحقیقاتی و تعلیمات فنی ، اداره مراکز طرح های صنعتی و تأسیس کارخانه های نمونه و آموزش به کشورهای عضو کمک می کند. این طرح ها که پس از چند سال مطالعه و تدارک به مرحله اجرا در می آیند ، هریک میلیونها دلار خرج برمی دارد و مخارج آن را « برنامه عمران ملل متحد» و کشورهای دریافت کننده کمک ، مشترکاً تأمین می کنند.
- یونیدو در انجام طرح های صندوق ویژه از وجوه برنامه عمران ملل متحد برای اعزام کارشناس و مشاور و دادن تجهیزات و همچنین اعطاء بورسیه های تحصیلی برای کسب تعلیمات فنی در خارج از کشور ، استفاده می کند.
- کمک به کشور «توگو» برای تولید و استفاده از کودهای شیمیائی ، کمک به مؤسسه ملی استاندارد صنعتی کشور «پاراگوئه » و کمک به مرکز توسعه و سازمان دادن صنعت کف در کشور «پاکستان » در زمره این گونه طرح های یونیدو به شمار می رود.

• خدمات صنعتی مخصوص – کمک سریع :

یک قسمت اساسی از فعالیت های اجرایی یونیدو ، برنامه خدمات صنعتی مخصوصی است که اکثراً به گروه « آتش نشانی » معروف شده است

• « خدمات صنعتی مخصوص » که به منظور تکمیل سایر فعالیت های یونیدو در کشورهای مربوطه در نظر گرفته شده است به درخواست های فوری ترتیب اثر می دهد و به کشورهای در حال رشد در حل فوری مشکلات آن ها کمک می نماید . بودجه خدمات صنعتی مخصوص از کمک های مالی داوطلبانه تأمین می گردد و یونیدو و برنامه عمران ملل متحد ، مشترکاً آن را اداره می کنند.

این برنامه طبق آیین کار ، ساده و سریع عمل می کند که به موجب آن کارشناسان و یا گروه هایی از کارشناسان اغلب در پاسخ به درخواست های فوری برای دوره های کوتاه به محل اعزام می گردند تا درباره حل فوری مشکلات فنی که پیش آمده ، مثلاً درباره اداره کارخانجات و کار ماشین آلات ، جریان مواد و کالاهای مورد نظر ، کنترل کیفیت کالاها ، یا تنظیم و تطبیق صنایع مربوطه با تولیدات جدید ، نظر مشورتی بدهند.

تقاضای کمک از برنامه های خدمات صنعتی مخصوص ، دائماً روبه ازدیاد است .

• فعالیت های مکمل :

دومین دسته از فعالیت های یونیدو ، برنامه های مکمل است که شامل ، مطالعات ، تحقیق ، مبادله اطلاعات و تربیت فنی می باشد و به منظور کمک به مؤثر ساختن عملیات میدانی ، طرح ریزی شده است . این دسته از فعالیت های تدوین و تنظیم ، تجزیه و تحلیل ، انتشار و توزیع اطلاعات مربوط به جنبه های مختلف صنعتی شدن ، مانند تکنولوژی صنعتی ، سرمایه گذاری ، تأمین بودجه ، تولید ، مدیریت و برنامه ریزی را در بر می گیرد.

- یونیدو گرد همایی های بین المللی ترتیب می دهد تا مبادله نظرات درباره مشکل یا موضوع بخصوصی در امر توسعه صنعتی ، بین مقامات دولتی و کارشناسان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه ، امکان پذیر گردد. این گردهایی ها به صورت سمینارها ، جلسات بحث با گروه های کارشناسی تشکیل می شود و نتیجه گیری ها و توصیه های آنها به طور وسیعی توزیع می گردد.
- یونیدو همچنین برنامه های تربیت فنی در کارخانه ها را ترتیب می دهد که در آن مهندسان صنعتی و کارشناسان فنی از کشورهای در حال رشد در صنایع بخصوصی مانند آهن ، فولاد ، سیمان و مهندسی برق ، تعلیمات فنی عملی می بینند.
- **سمپوزیوم بین المللی توسعه صنعتی :**
- نخستین کار عمده یونیدو طی اولین سال فعالیت خود ، تشکیل سمپوزیوم بین المللی توسعه صنعتی ملل متحد بود که از ۲۹ نوامبر تا ۱۹ دسامبر سال ۱۹۶۷ در آتن پایتخت یونان برگزار گردید. این سمپوزیوم موضوعات بسیار وسیعی را که مربوط به مشکلات کشورهای در حال رشد و نقش یونیدو در کمک به حل این مشکلات بود ، مورد بحث قرار داد . گزارش این سمپوزیوم سه موضوع عمده را در بر می گیرد:
- خط مشی و مشکلات صنایع در کشورهای در حال رشد.
- وضع ، مشکلات و آینده پاره ای از بخش های صنعتی عمده " منتخب "
- مسائل و خط مشی صنعتی شدن در سطح ملی و بین المللی .
- **کمیته های ملی یونیدو :**
- یکی از توصیه های سمپوزیوم این بود که از دولت های عضو ، درخواست تأسیس کمیته های ملی یونیدو نماید تا به دولت و سایر تأسیسات کشوری درباره کلیه مسائل مربوط به فعالیت های یونیدو ، نظر مشورتی دهد. طبق این توصیه تا آخر ژوئیه سال ۱۹۶۹ ، سی و سه کشور کمیته های ملی یونیدو را برپا کردند.

• سرویس اطلاعات صنعتی :

یونیدو در ادارات مرکزی خود در وین « سرویس اطلاعات صنعتی » تأسیس نموده که با پاسخ رایگان به پرسش های کشورهای در حال رشد درباره ی مشکلات صنعتی به آنها کمک عملی نماید . مقامات و کارمندان فنی سازمانهای دولتی و نیمه دولتی مرتبط با توسعه صنعتی و همچنین انواع بنگاههای صنعتی ، می توانند از این سرویس استفاده نمایند . درباره ی مسائلی مانند تولید کنندگان صنعتی ، قیمت ، کیفیت و شرایط تحویل کالا و پرداخت قیمت آن و همچنین تنظیم مشخصات کالا و ارزشیابی پیشنهادها و مناقصه ها می توان از این سرویس نظر مشورتی خواست .

• علاوه بر این ، سرویس اطلاعات صنعتی ، صورتی از مشاوران متخصص در امور توسعه صنعتی در اختیار دارد که به این وسیله می تواند به کشورهای در حال رشد ، در مورد خدمات و مهارت های فنی مشورتی ، کمک نماید .

این سرویس همچنین دو مجموعه از اطلاعات تکمیلی در اختیار دارد که در جواب به تقاضاهای مشخص و معین ، ترتیب تماس بین افراد علاقه مند را ممکن می سازد یکی از این دو فهرست ، از امکانات صنعتی در کشورهای در حال رشد است و دیگری فهرستی از دارندگان اطلاعات فنی و سرمایه گذاری است .

• ترویج سرمایه گذاری صنعتی :

به موجب برنامه ترویج سرمایه گذاری صنعتی ، یونیدو به کشورهای در حال رشد در ازدیاد جریان منابع مالی داخلی و خارجی برای رشد صنعتی آنها کمک می کند . یکی از راههایی که این مقصود را برآورده می سازد ، ترتیب تماس سرمایه گذاران احتمالی از یک سو و نمایندگان کشورهای در حال رشد که طرح به خصوصی برای ترویج دارند ، از سوی دیگر می باشد . یونیدو با کمک به کشورها در تشخیص طرح هایی که از نظر بازرگانی جالب هستند و عرضه ی آنها و نیز با یافتن سرمایه گذاران احتمالی و منابع مالی ، به تفاهم مشترک بین آنها کمک می نماید . یک چنین گردهمایی برای ترویج طرح های صنعتی به خصوص ، در سال ۱۹۶۹ در تونس انجام گرفت .

- طریق دیگری که یونیدو اعضای خود را در تجهیز سرمایه گذاری یاری می دهد ، ترتیب برنامه های آموزشی در زمینه ی شیوه های ترویج سرمایه گذاری برای مقامات کشورهای در حال رشد است . این برنامه ها مرکب از یک سلسله سخنرانی ها ، مباحثات ، مسافرت ها و آموزش در حین کار در کشورهای عمده صادر کننده سرمایه می باشد سخنرانان از میان ارباب برجسته ی صنایع ، صاحبان بنگاهها ی مالی ، نمایندگان شرکت های عمده ی مشاوره ی مالی و کارشناسان سرمایه گذاری از بنگاه های مالی بین المللی هستند . یونیدو همچنین بنا به درخواست هر کشوری برای ترویج سرمایه گذاری یا بهسازی تشکیلات سازمان های موجود ، کمک های کارشناسی در اختیار آنها قرار می دهد.

• **تامین بودجه مالی فعالیت های یونیدو :**

- مخارج امور اداری و فعالیت های تحقیقاتی یونیدو از بودجه عادی ملل متحد تامین می گردد و در سال ۱۹۶۹ مبلغ ۹,۶۹۳,۲۰۰ دلار برای این منظور توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید .
- یونیدو برای فعالیت های اجرایی خود به طور عمده از منابعی که برای عمران ملل متحد در اختیار آن قرار می دهد و نیز از بودجه مالی ملل متحد و همچنین از کمک های داوطلبانه دولت های عضو استفاده می کند .

• **هیأت توسعه صنعتی :**

- دستگاه اصلی که خط مشی یونیدو را تأمین می نماید « هیأت توسعه صنعتی » است که ۴۵ عضو آن را مجمع عمومی ملل متحد از میان اعضای سازمان ملل متحد و کارگزاری های آن برای مدت ۳ سال انتخاب می کند . این هیأت هر سال یک بار تشکیل جلسه می دهد تا سیاست و خط مشی یونیدو را تنظیم و برنامه ی فعالیت های آن را تصویب نماید . این هیأت همچنین همکاری سازمان های خانواده ملل متحد را در زمینه ی صنعتی بررسی می کند و هر سال از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد ، به مجمع عمومی ملل متحد گزارش می دهد .

• کمک های یونیدو به ایران :

علاوه بر اعزام کارشناسانی به ایران به مدت های کوتاه ، به درخواست دولت ایران برای حل مشکلات فوری ، یونیدو از طریق سه طرح عمده به دولت ایران در پیشبرد برنامه ی توسعه صنعتی کمک می کند . این سه طرح عبارتند از کمک به توسعه صنایع کوچک ، کمک به مرکز تحقیقات توسعه صنعتی و بازرگانی و کمک به مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران .

قسمتی از مخارج اجرایی این طرح ها توسط برنامه ی عمران ملل متحد که یونیدو به عنوان کارگزار با آن همکاری می کند ، پرداخت می شود و بقیه به صورت نقدی و جنسی توسط دولت ایران تأمین می شود .

کمک هایی که به مرکز تحقیقات توسعه صنعتی و بازرگانی می شود شامل مطالعات درباره بخش های صنعتی ، تنظیم برنامه های صنعتی ، خدمات کارشناسی و مشورتی برای صنایع خصوصی ، ارزیابی طرح ها و انجام پژوهش به منظور تنظیم سیاست در زمینه ی صنعت ، معادن و بازرگانی می باشد .

با سپاس از تحمل استاد محترم و دوستان گرامی